

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت آغاز ششمین سال جنگ

ششمین سال جنگ را به سال تظاهرات و اعتصابات علیه رژیم تبدیل کنید!

و نه مردم عراق. این جنگ به تحریک آمریکاییان به دست رژیم صدام آغاز شد و توسعه رژیم خمینی ادامه یافت. این جنگ یعنی توطئه آمریکا و صدام علیه انقلاب و میهن ما بود. هدف این جنگ افروزی انداختن ملوک پندگی سرمایه داران به گردن شما بود.

جنگ، در عمر تکبیت بار ۵ ساله خود نه دیک به یک میایون همون مارا کشته و مجروح و معلول ساخته است. آمار آوارگان جنگی از مرز سه میلیون گذشته است.

بقیه در صفحه ۲

مردم مبارز ایران! با فرارسیدن ۲۱ شهریور، پنج سال از جنگ خانمانسوز ایران و عراق می گذرد، بدون آنکه یابان آن معلوم باشد. اصرار سران جمهوری اسلامی به ادامه جنگ، همه روزنه ها را به سوی صلح بسته است: خمینی و مفتیان او در برابر شما بازم مرک و ویرانی و آوارگی، باز هم برهم می گسترانند.

۵ سال جنگ را به ما و مردم عراق تحمیل کرده اند. نه ما شروع این جنگ کنیم و ما می خواهیم



دوشنبه ۱۱ شهریور برابر دوم سپتامبر ۱۳۸۵
بیان ۶۰ ربات - سال دوم - شماره ۷۲

مسائل ایران در مطبوعات پیشرو جهان

مقاله "عصر جدید" درباره لجن پراکنی ضد شوروی ارگانهای حکومتی ایران هفته نامه "عصر جدید" در شماره ۲۴ خود به درج مقاله ای در مورد موج جدید دروغ و لجن پراکنی ضد شوروی، در مطبوعات مجاز رژیم ایران پرداخته است. "عصر جدید" می نویسد:

"برخی نویسندگان مطبوعات ایران برای پوشاندن حقیقت به دروغ و افترا متوسل می شوند" و در این زمینه به مقاله "کلیان اینترنشنال" که آنرا تکلیف توصیف می کند می پردازد و خاطرنشان می کند: این روزنامه که خواسته است مفر نمایی اش را به رخ رقبای خود،

بقیه در صفحه ۱۰

مقاله "عصر جدید" درباره لجن پراکنی ضد شوروی ارگانهای حکومتی ایران هفته نامه "عصر جدید" در شماره ۲۴ خود به درج مقاله ای در مورد موج جدید دروغ و لجن پراکنی ضد شوروی، در مطبوعات مجاز رژیم ایران پرداخته است. "عصر جدید" می نویسد:

"تکته برجسته آن است که موج میسری ضد شوروی در نشریات گوناگونی مانند "کلیان اینترنشنال"، "تهران تایمز" و "جمهوری اسلامی" و نیز در رادیو تهران از لحاظ زمانی با کارزار ایدئولوژیکی مصادف است که

مرگ بر جنگ، این عفریت مرگ آور!

می کنید. هزینه های مستقیم جنگی رژیم تا امروز بالغ بر ۲۲۰۰ میلیارد ریال می شود، که تنها هزینه سرانه جنگی در طول سالهای جنگ برای هر ایرانی بیش از ۶۰۰۰۰ ریال می شود. که این رقم نمایی هزینه های غیر مستقیم جنگی و هزینه بازسازی خسارات است.

هر سال بیش از ۲۰ درصد کل بودجه کشور صرف مقاصد جنگی و نظامی می شود و به این ارقام نجومی باید دیشتر هزینه های نظامی را نیز افزود که به طرز پرمعنائی در ردیف بودجه عمرانی کشور" جا گرفته اند.

بقیه در صفحه ۲

چندان زمانی به پایان پنجمین سال جنگ خانمانسوز و ویرانگر نمانده است. حکام مرتجع و جنگ طلب جمهوری اسلامی، که همه کشور را مرصه تاخت و تاز امیال تجاوزکارانه و ضد مردمی خود ساخته و کمر به نابودی همه سرچشمه های آبادانی بسته اند، در تلاشند تا چون سالیان قبل، با برگزاری "هفته جنگ"، بر شیپور جنگ بدمند و تنور آدمسوزی جیبها را همچنان گرم نگاه دارند. مرتجعین آزادی کش آدمی خوار، تاکنون بارها و به کرات، با وقاحت بافته در تار و پود اندیشه و کلامشان، اغیار داشته اند که جنگ "رحمت الهی" و رکن هستی و بقا و رژیم جمهوری اسلامی است. جادارد تا توسط آمار تلفات و خسارات، ویرانی ها و آوارگی ها، کارنامه سیاه جنگی رژیم را مرور کنیم.

هزینه های جنگی

در طول سالیان جنگ تکبیت بار، همه ساله بخش کلانی از درآمد ملی صرف مقاصد نظامی و جنگی می شود. رژیم خمینی دسترنج کارگران و زحمتکاران و ثروتهای ملی کشور را صرف خرید تسلیحات و امور نظامی می کند. بدیهی است که باید تمام هزینه های جنگی را به حساب خسارات و زیان های ملت ایران منظور کرد، چرا که تمام این وجوه کلان که صرف جنگ و ویرانی می شود، می توانست در خدمت آبادی و آبادانی کشور قرار گیرد. حال آنکه رژیم جنگ طلب خمینی نه تنها همه ساله بودجه کلانی را صرف جنگ و مظاهر کشورگشایانه خود می کند، بلکه بخشی از بودجه اندک عمرانی کشور را نیز در این راه بکار

ویکتورخارا: در صفحه ۹
استاد دوم شبیلی

در صفحه ۱۰

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نویسنده: دکتر رفیع رشید دانشگوری، عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دیو کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی:

ائتلاف نیروهای ضد دیکتاتوری فراگیر می شود

شیلی، نمایندگی می کرد. علاوه بر این، او در زمان حکومت "اتحاد مردمی" مشاغل مهمی در اقتصاد برعهده داشت و از جمله وزیر مشاور در دولت آینده بود.

رفیق میلان در این مصاحبه مواضع حزب کمونیست شیلی را نسبت به تحولات جاری تشریح می کند. به عقیده او جنبش فزاینده توده ای "به صف بندی جدید نیروهای مبارز علیه دیکتاتوری می انجامد" این امر در کشور آرایش جدیدی ایجاد خواهد کرد که بر اساس آن، پیشرفت تا مرحله سرنگونی رژیم پینوشه بسیار سریع تر انجام خواهد گرفت.

در تحولات جاری و در متحد ساختن نیروهای ضد دیکتاتوری، حزب کمونیست نقش برجسته ای ایفا می کند. حزب در شرایطی و تأیید انقلابی و بیفرنج خود را پیش می برد که هم چنان به توسعه انداز، سرکوب می شود. خواه این امر، قتل به تن از اعضای حزب در اواخر ماه مارس است. آمارا ابتدا شکیبه کرده و پس از اینکه گلویشان را بریدند در جاده ای متروک انداختند. با این همه حزب کمونیست که پیک

بقیه در صفحه ۸

در روز بیستم شهریورماه سال ۱۹۷۲ بود که ژنرال پینوشه سرپرده کودتای خونین خود را در شیلی انجام داد. در همین روز بود که سالوادور آلنده رئیس جمهور برنزییده مردم شیلی به شهادت رسید. در ایران از انزجار نسبت به جنایات رژیم پینوشه و در پشتیبانی از مبارزات مردم شیلی، همه ساله در هفته منتهی به این روز، در سطح جیان، نیروهای مترقی و پیشرو اجتماعات و مراسم برپا می کنند. این هفته که از ۱۲ شهریور آغاز می شود به نام "هفته همبستگی جهانی با خلق شیلی" نامیده شده است. به این مناسبت و برای آشنایی با اوضاع نفوذی و جنبش مردمی در شیلی در این شماره مصاحبه ای از رفیق ارلاندو میلان عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی را درج می کنیم. این مصاحبه پندی پیش توسعه یکی از خبرنگاران شیلیایی متقدم اروپا تهیه شده بود و از آنجا که نام بردن از ارلاندو میلان در شیلی ممنوع است، در این کشور اجازه انتشار نیافت.

ارلاندو میلان سالها حزب خود را هم در مجلس نمایندگان و هم در مجلس سنا، یعنی هر دو مجلس گذرگاه ملی

علیه جنگ، برای صلح، پیاخیزیم!

بقیه از صفحه اول

بنا به اعتراف های بانکی، تقریباً ۵۰ اعتبارات عراقی کشور نیز صرف جنگ می شود. (اطلاعات ۶۲/۷/۲). حال اگر همه این ارقام را بیجا در نظر بگیریم و همه اعتراضات بسته و گریخته مسئولین را نیز دخالت دهیم، بودجه دفاعی و جنگی کشور در طی سالیان جنگ بالغ بر ۵۵۰۰ میلیارد ریال خواهد شد. در همین مدت ۲۵ میلیارد دلار صرف خرید اسلحه از فاجاچهیان بین المللی و ادعاسات اسلحه سازی شده است.

جای کمترین بحث نیست، که با این ارقام نجومی و کلان، به سولت می شد، مدام بیمارستان و مراکز آموزشی، صدها واحد تولیدی و صنعتی، هزاران کیلومتر راه، هزاران واحد مسکونی، ده ها و صدها پروژه آب رسانی و برق رسانی عظیم و... را اجرا و احداث نمود. ولی رژیم خونخوار حاکم، ثابت قدم و همانند تجربه عملی ثابت کرد که اگر در توان داشته باشد، براتب بیش از این ارقام را صرف جنگ افروزی و لشکرکشی خواهد نمود. در واقع امر، آنها تا آنجا که توانستند دارایی های دولتی را نیز به منظور تامین بودجه جنگی خود، به بخش خصوصی فروختند.

خارج نفت به

منظور تامین هزینه های جنگی

با گسترش دامنه و شدت گیری جنگ، رژیم جمهوری اسلامی به حربه -عراج بی سابقه نفت و دیگر ثروت های ملی کشور رو آورد. آنها که در تامين مبالغ هنگفت بودجه جنگی عاجز بودند، تلاش ورزیدند تا با به آتش کشیدن ثروت های ملی کشور، وجوه لازم را برای ادامه جنگ گرد آورده و به چاه ویل این جنگ تنگت باز سرازیر کنند. آقای غرضی وزیر نفت -جمهوری اسلامی، رسا اعلام کرد که: "امروز مردم در حال جذبیدن هستند و برای این منظور باید نفت فروخت تا بتوان جنگید. ما قیمت نفت را تا ۲ دلار پائین آوردیم." (کیهان ۶۲/۲/۱۶). با این تخفیف ویژه، دولت جمهوری اسلامی روزانه میلیون ها دلار از دارایی مردم را به جیب انحصارات نفتخوار سرازیر کرد.

شواهد بسیاری در دست است که رژیم به همین "تخفیف کلان" نیز بسنده نکرده و در معاملات سری خود با دیگر دول، نفت را براتب ارزانتر از این ارقام به فروش رسانده

مرگ بر جنگ، این عفریت مرگ آور!



(نورمند، ژانویه ۱۹۸۵)

زبان و ضربه این موارد خاتمه نمی یابد. رژیم جمهوری اسلامی برای تامین بودجه جنگی خود، مغول وار به استخراج و فروش نفت دست زده است. استخراج بی رویه نفت و شیوه های غیر اصولی استخراج، باعث هرز رفتن مقادیر انبوهی از این ثروت ملی گشته است. بر حسب تحقیق کارشناسان نفت، با میزان صدور روزانه ۲/۵ میلیون بشکه نفت، طی پنج سال یعنی از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۷، میزان هرز رفت نفت به رقم نجومی ۱۲۶۷ (میلیارد و ۲۶۰۰/۰۰۰) (۸۲۴/۹۲۶۰۰۰) میلیارد ریال بالغ خواهد شد. اما حکام رژیم را پروای این مسائل نیست. هزینه جنگی را به هر قیمت باید تامین کنند. یکی از نمایندگان مجلس با وقاحت تمام در این باره اعلام نمود که: "بهیچوجه عقلایی نیست که ما به این دلیل که منت است، آن هم با محاسبات نادرست بشری، چند ده سال دیگر با نبود نفت مواجه شویم، در سانسای آینده انقلاب را در معرض تهدید قرار دهیم." (اطلاعات ۶۲/۱۲/۱۴)

همزمان با گسترش جنگ در حوزه خلیج فارس، شرکت های بیمه، نرخ بیمه کشتیرانی در آب های خلیج فارس را به شکل بی سابقه و سرسام آوری افزایش دادند. نرخ بیمه کشتیرانی از ۵ درصد به ۷/۵ درصد افزایش یافت. انبیه بیمه کران "نوبل" حتی به این افزایش نیز بسنده نکرده و افزایشی معادل ۱۵ درصد ارزش کلای بیمه شده را طلب کردند. بنا به گزارش جرییده رسمی اطلاعات (مورخه ۶۲/۱۱/۸)، احتمالاً افزایش نرخ بیمه کشتیرانی تا ۲۷/۵ درصد نیز وجود دارد.

شرکتهای بیمه و امور مالی کشورهای امپریالیستی از این راه، تا کنون سودهای کلانی را به جیب زده اند. اما رژیم به این تنقیفها و این نرخ ها نیز اکتفا نکرده و غرضی صریحاً اعلام نمود: "وقتی که نرخ بیمه ها برای کشتی هایی که به خلیج می روند... افزایش یافته، ایران باید قیمت را بگونه ای تعدیل کند که نفت اش قابل رقابت باقی بماند.



خسارات و تلفات جنگ

منظور این کارکنان خمینی از نامه مقدس "انقلاب" همانا رژیم هفت بار جمهوری اسلامی است که بر آن است تا با بکارگیری تمامی ذخایر نفتی کشور، آتش جنگ را شعله ور نگذارد.

این جنگ تنگت باز و خونین، باعث خسارات و تلفات بی شماری شده است. قریب به ۱ میلیون نفر از مردم کشورمان در اثر این جنگ غائله، کشته، زخمی و معلول شده اند. بسیاری از مردم عراق نیز در این جنگ کتیف، جان خود را از دست داده اند. بتارگری، شیوه های ضد انسانی و وحشیانه از قبیل استفاده از سلاح های شیمیایی نیز بر میزان تلفات بسیار افزوده است. جنگ شیرما، با هدف گیری مردم غیر نظامی و مناطق مسکونی، نقطه عطفی در مسابقه دد نشی میان دو رژیم تبهکار حاکم بر ایران و عراق بر جای گذاشت.

تاکنون بیش از ۲ میلیون نفر از مردم دو کشور بی خانمان و آواره شده اند. وضعیت زندگی این آوارگان بسیار دردناک و متأسفانه است. کمک های بنیاد جنگ زدگان اولاً شامل همه آوارگان جنگی نمی شود و ثانیاً آنقدر ناچیز است (نزدیک به ۱۲ تومان در روز) که از حداقل امکانات زندگی نیز به مراتب پائین تر است.

خسارات مادی این جنگ، به ارقام کلان و سرسام آوری می رسد. میزان خسارات وارده کنونی، با درآمد ناشی از تولید و فروش نفت بیش از ۱۵ سال کشور برابری می کند. طبق آمار رسمی، میزان خسارات وارده بر کشور تا ۲۵۰ میلیارد دلار بالغ می شود.

تا کنون ده ها واحد صنعتی و تولیدی بزرگ و از جمله پالایشگاه عظیم آبادان خسارات و آسیب فراوانی دیده اند، هزاران واحد مسکونی و تجاری با خاک یکسان شده اند. تنها میزان خسارات برآورد شده به بخش کشاورزی کشورمان به چند ده میلیارد دلار بالغ می شود. در عرصه نفت و پالایشگاه ها و تأسیسات نفتی، میزان خسارات وارده آنقدر سنگین است که تعیین دقیق رقم آن به سادگی میسر نیست.

میزان خسارات سرانه هر ایرانی در طول سالیان جنگ از رقم ۶۰ هزار تومان بسی فراتر می رود. این رقم برای یک خانواده چهار نفره بالغ بر ۲۴۰ هزار تومان می شود، حال آنکه

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت آغاز ششمین سال جنگ

ششمین سال جنگ را به سال ظاهرات و اعتصابات علیه جنگ و رژیم تبدیل کنید!

بقیه از صفحه اول

تسلیات جنگ - تنها تا پایان سال ۶۱ بالغ بر ۱۶۲ میلیارد و ۶۹۶ میلیون و ۷۵ هزار دلار محاسبه شده است. طی سه سال اول جنگ، ۱۲۰۰ میلیارد ریال یعنی آمار خود رژیم صرف هزینه‌های جنگ شده که اکنون به رقم نجومی ۲۲۰۰ میلیارد ریال نیز بالغ می‌شود.

خرج روزانه جنگ برای کشور، مبلغی بیش از ۲۰۰ میلیون تومان است. به اعتراف سران خیانتکار رژیم، بیش از یک سوم بودجه سالانه کشور صرف هزینه‌های جنگ می‌شود. ۷۰ درصد اعتبارات عمرانی کشور و رقمی معادل آن از بودجه مربوط به آموزش ابتدایی و عالی، بهداشت و امور درمانی، بیمه و خدمات اجتماعی، به هزینه‌های جنگ اختصاص یافته است.

اما جنگ بدلخواه خمینی بیش نمی‌رود. تلاش جمهوری اسلامی برای پیروزی نظامی شکست خورده و رژیم در باطل جنگ گیر کرده است. او هرچه بیشتر تقلا می‌کند، بیشتر در آن فرو می‌رود. تلاش‌های مذبح‌خانه خمینی جزیه شکست او، جزیه کشتار فرزندان عزیز شما منجر نشده و نمی‌شود. رژیم در جنگ به بن بست رسیده است. سران جمهوری اسلامی و شخص خمینی برای خروج از این بن بست، برای پیروزی در جنگ به هر تارکشی دست می‌زنند و با هر شیله‌ای متحد می‌شوند. آنها حاضرند در در راه آمل بنید خود، همه جوانان کشور را نابود کنند و همه کشور را ویران سازند. آنها که همه نوع امتیاز به امپریالیست‌ها، اروپایی و ژاپن می‌دهند، قادر این جنگ به جای صدام از پیروی اسلامی حمایت کنند، اکنون آشکارا از آمریکا هم استمداد می‌طلبند و آماده اند به‌همراه محکم کردن رژیم برای وابستگی همه جانبه کشور ما به امپریالیسم آمریکا، با سلاح پیروزی، در جنگ را در سبیل از خود جوانان شما جشن بگیرند. اما آمریکا همچنان امتیازات بیشتر، درخواست می‌کند و با تهدید و ترغیب، رژیم خمینی را به معامله کلان بر سر منافذ و مصالح مالی و مینعی مافرا می‌خواند.

خمینی جنگ را ادامه داد، چون خیال می‌کرد به این وسیله حکومت خود را محکم می‌کند و جمهوری اسلامی را در عراق برپا می‌سازد. او دام جنگ را در راه شما گشوده ولی حالا خودش گیر افتاده است. حالا همه علیه جنگ هستند، مبارزه و مقاومت شما علیه جنگ، سران جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است. آنها در جنبش ضد جنگ شما، آینده رژیم شیخار خود را در خطر می‌بینند. از اتحاد و مبارزه شما علیه جنگ بیشتر از بمب اتم و توپ و تانک صدام می‌ترسند. دیدید رژیم خمینی با تظاهرات حق طلبانه مردم ۱۲ استان چه کرد و چگونه نیروهایش را از جبهه مقابل صدام برای مقابله با شما فراخواند. اگر شما یکبارچه و متحد علیه جنگ بجاخیزید، رژیم خمینی نمی‌تواند ایستادگی کند. کلید صلح در دست شما است.

نیروهای ترقیخواه، صلح طلب ایران! صلح، خواست فوری همه مردم ایران است و بیشترین نیرو را علیه جمهوری اسلامی بسیج می‌کنند و بیشترین اختلاف را در حکومتیان می‌افتند. همه، مافرا و احزاب صلح دوست جهان و همه بشریت ترقیخواه پشتیبان مبارزه صلح طلبانه ما هستند. مدافعین و استوار، علیه جنگ متحد شویم، به شمریت و تفرقه در صفوف خود پایان دهیم. مردم از همه ما اتحاد و یگانگی می‌طلبند. به ندای به حق آنان پاسخ مثبت دهیم. با اتحاد خود عمر جنگ و رژیم را کوتاه سازیم!

هموطنان مبارز!

اسال هم سران رژیم می‌گویند هفته جنگ به راه اندزد، شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" و "موتی جواب موتی" را شعار مردم جابزنند و هزاران نفر دیگر را روانه کشتارگاه کنند. آنه خواهند نوشتید باهمای و جذبال و باسو استفاده از احساسات مذهبی با ایجاد رعب و وحشت در جامعه، جنگ را ادامه دهند. هفته جنگ را به هفته مبارزه همه جانبه علیه جنگ و رژیم تبدیل کنید. مائ، اعزام فرزندان و عزیزان خود به جبهه شوید، در جبهه و پشت جبهه علیه جنگ تبلیغ کنید. مراسم تشییع و ختم قربانیان جنگ را به نمایش اعتراض خود علیه جنگ و رژیم تبدیل کنید. در کارخانه‌ها و اداره‌ها، برای صلح اعتصاب کنید، یادگاری‌ها قرارگاه‌های پاسداران را با شعار صلح بیوشانید و ماشین جنگی رژیم را فاج کنید. در محلات و خیابانها تظاهرات کنید، از هر فرصتی استفاده کنید و علیه جنگ، علیه خمینی جنگ افروز اعتصاب و تظاهرات برپا سازید.

هموطنان آگاه و مبارز!

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سرتاسر کشور، برای متحد و مساعدت کردن مبارزه مردم علیه جنگ و جمهوری اسلامی مبارزه می‌کند، تا صلح به کشور باز گردد، حکومت خمینی سرنگون شود و به جای آن حکومت خلق مستقر گردد. از مبارزه فدائیان خلق حمایت کنید، پیوند خود را با آنان محکم تر سازید. به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، مدافع پیشر راه استقلال میهن و آزادی و خوشحالی مردم ایران بپیوندید تا به جنگ و جمهوری اسلامی پایان دهیم و صلح و جمهوری ملی-دموکراتیک را در کشور برقرار کنیم.

زنده باد صلح

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - شهریور ۱۳۶۴

آمریکا، مراجعه کرده و می‌کند. این قضیه تا بدان حد آشکار است که اینها و آژنیا، دانسته و پندارسته در سخنان مسئولین دولتی نیز انعکاس می‌یابد. همین چندی پیش بود که یکی از نمایندگان مجلس عنوان نمود: "ما برای خرید سلاح جذب بازارهای خارجی شده ایم و باعث تروتنندگی شدن دلالها و سرمایه داران وابسته به سبونیسم گشته ایم." (کپهان، ۲۲ مرداد ۶۲)

سرمخت سلیمی، وزیر دفاع پیشین نیز در این رابطه وقیفانه اعتراف کرده بود که: "ما هر معامله‌ای که داریم با وادعه‌ها و با شرکت هست و آن هم مشروط بر اینکه آن کشور سازنده و متبوع آن شرکت اجازه خروج بدهند." (اطلاعات ۲۴ مرداد ۶۲)

اینها همتی خواهد غیر قابل انکاری می‌باشند. هم اینک رسانه‌های آمریکا سر و صدا و جنجال بر پا کرده اند که عده‌ای را به جرم قایق اساع به ایران، بازداشت کرده اند. حال آنکه چون روز روشن است که قاچاقچیان اساع تنها با توافق اندعصارات نظامی سازمان سیا و پنتاگون قادرند سلاحهای مورد نیاز جمهوری اسلامی را به این حکومت به فروش برسانند. بدیهی است که این جار و جنجال‌ها، تنها به قصد فریب افکار عمومی مردم آمریکا و همچنین برای جلب نظر بیشتر رژیم خمینی می‌باشد، تا امتیازات بیشتر، را به دست آورند.

قاچاقچیان بین المللی اساع که عموما عضو سازمان سیا و یادر ارتبا با آن سازمان می‌باشند، تاکنون از قبل فروش سلاح به جمهوری اسلامی، صدام میلیون دلار سود به جیب زده اند.

با کسارش جنگ ایران و عراق، در نیمه آخر سال ۶۲ و اوایل سال ۶۳، بقیه در صفحه ۱.

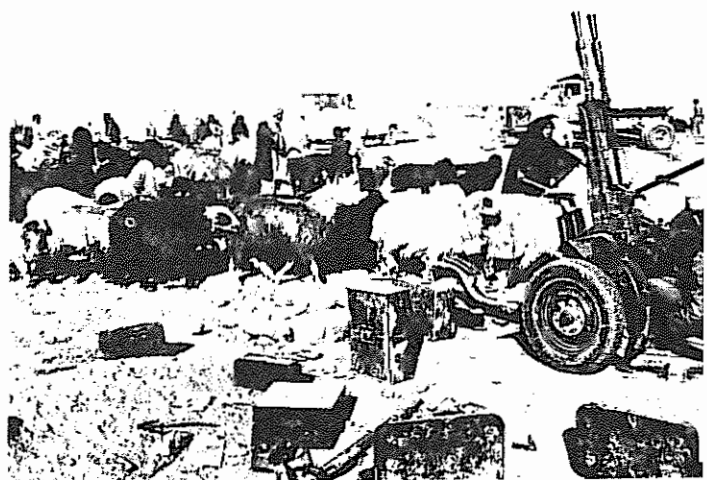
ی کارگر عائله مند در همین مدت زمان تنها ۱۱ هزار تومان حقوق دریافت کرده است!

جبران خسارت وارده به کشور، همانطور که ذکر شد، معادل سالیان سال تولید و فروش نفت و معادل سالها رنج و زحمت مردم کشور ما خواهد بود. حال آنکه جبران جان‌هایی که در آتش سیاستهای جنگ طلبانه رژیم سوختند، اصولا میسر نیست.

خرید تسلیحات

همانگونه که اشاره شد، رژیم خمینی تاکنون حد اقل ۲۵ میلیارد دلار صرف خرید تسلیحات نظامی از دلالان بین المللی اساع و اندعصارات نظامی نموده است. سیاست کشورهای امپریالیستی و اندعصارات نظامی در این راستا، فشار هر چه بیشتر به حکومت خمینی و مبتنی بر گرفتن امتیازات هر چه بیشتر بوده است. حکومت جمهوری اسلامی که برای گسترش جنگ نیازمند وسایل یکدی و تاهات لازمه سلاحهای پیشین کشور و همچنین دریافت سلاحهای جدید بوده و هست، برای تامین این جنگ افزارها، به کثیف ترین و ناعادلانه ترین معاملات کردن نهاده است. حکام مرتجع جمهوری اسلامی، با پول ملت، سر میز معامله با قاچاقچیان بین المللی نشسته و سلاحهای مورد نیاز خود را به چند برابر قیمت خریداری می‌کنند.

موسوی نخست وزیر در این رابطه صریحا اعلام کرده بود که "ما از هر جا که اساع بدست می‌آید، آن را خریداری می‌کنیم." (اطلاعات ۶۲/۷/۷). بدیهی است که تمام سلاحها و جنگ افزارهای رژیم ساخت آمریکا و کشورهای غربی است. از اینرو رژیم برای بدست آوردن سلاحهای مورد نیاز خود به مغفورتین رژیم‌ها از اسرائیل گرفته تا خود



خبرهای جنگ

در هفته گذشته نیز طبق معمول ستاد مشترک اطلاعاتیهایی در مورد "تبادل آتش" در جبهه‌ها، مختلف انتشار داد. دوحمله محدود نیز صورت گرفت که اولی در جبهه قصر شیرین و دومی در ناحیه پیش انگیز بود.

در روزهای یکشنبه و جمعه هفته گذشته عراق دومین و سومین حمله اخیر خود را به جزیره خارک صورت داد. حمله اول به خارک در روز ۲۴ مرداد صورت گرفته بود. سرفرماندهی ارتش عراق مدعی شده است که در روز یکشنبه ۸ بمب و در روز جمعه ۱۲ بمب بر روی جزیره نفتی خارک فروریخته است. وزن هر یک از این بمبها ۵۰۰ کیلوگرم اعلام شده است.

حملات اخیر به خارک، امر صدور نفت از این جزیره را با مشکلات تازه‌تری مواجه ساخته است.

روز دوشنبه هفته گذشته ولایتی از سر به سوریه به تهران بازگشت. در بیانیه‌ای که در پایان اجلاس وزیر خارجه لیبی، سوریه و جمهوری اسلامی در دمشق انتشار یافت نظرات جمهوری اسلامی در قبال جنگ با عراق به تمامی اندکس نیافته است. در این بیانیه سرنویس صدام تا به جمهوری اسلامی بنگه به مردم عراق محول شده است.

نامنه‌ای در سخنرانی روز پنی شنبه خود در مشهد مهمترین وظیفه مسئولین جمهوری اسلامی در قبال جنگ را "سازماندهی دقیق نیروهای نظامی برای وارد کردن ضربات هر چه کوبنده‌تر" توصیف کرد. وی بر شعار "جنگ - جنگ - تا پیروزی" تاکید کرد و لی از "حمله نهایی" سخنی به میان نیاورد.

حمله شدید وزیر کار به کاشانی
کاندیدای انتخابات رئیس جمهوری

درگیری بر سر احراز پست نخست وزیری به شدت ادامه دارد. موسوی و عده‌ای از اعضای کابینه او در روزهای اخیر با استفاده از فرصت مفتی‌ای که در جمهوری اسلامی "هفته دولت" نامیده می‌شود، به شدت به دفاع از عملکردهای دولت فتانی پرداخته اند تا راه ابقای آن را هموار سازند.

برخورد صریح و علنی با مخالفان دولت فتانی در درون رژیم با مصاحبه مطبوعاتی ۲۸ مرداد موسوی آغاز شد. سرحدی زاده وزیر کار در ادامه این مصاحبه، در طی گفتگویی با کیهان ۲۰ مرداد ضمن دفاع از عملکرد دولت، مقابله با تبلیغات دو کاندیدای ناکام انتخابات رئیس جمهوری را بیانه کرد تا به سه انتقاداتی که از سوی مخالفان کابینه فعلی در دوران حکومت به دولت موسوی وارد می‌شود، پاسخ گوید. وی حمله خود را بر روی کاشانی یکی از کاندیداهای انتخابات انبیر متمرکز کرد. وی بدون ذکر نام کاشانی او را فردی توصیف کرد که "تمام الهاماتش را از مظفر بقایی می‌گیرد." پیش کشیدن اسم "مظفر بقایی" نشان می‌دهد که تنها "آیت" از مریدان او نبوده و این عنصر خائن و وابسته همچنان در وقایع پشت پرده جمهوری اسلامی نقش دارد.

سرحدی زاده در گفتگویی خود با کیهان از شورای نگهبان گلایه کرد که چرا کاندیداتوری

کاشانی را تأیید کرده است.

افشاکری سرحدی زاده در مورد کاشانی در واقع نوعی خودافشاکری است. آثانی که بر سر سفره غارت نشسته اند با افشای یکدیگر کلیت رژیم را افشا می‌کنند.

تفکیک وظایف شهر بانی و کمیته

حجت الاسلام سالک سرپرست کمیته‌ها، طی یک مصاحبه مطبوعاتی طرح تفکیک وظایف کمیته و شهربانی را تشریح کرد. وی گفت: "در این طرح، شه بانی جمهوری اسلامی بعنوان پلیس انتظامی - انضامی و کمیته انقلاب اسلامی، بعنوان پلیس انتظامی - سیاسی شناخته شده است."

حجت الاسلام سالک در توضیح بیشتر این موضوع گفت وظایفی از قبیل انجام امور اداری، تشنیه هویت، راهنمایی و رانندگی، صدور گذرنامه، حفاظت از سفارتخانه و مبعاران رسمی بر عهده شهربانی و وظایفی از قبیل پیگرد و سرکوب سیاسی، سرکوب تظاهرات و اعتصابات و کنترل‌های خیابانی بر عهده کمیته است. امور مربوط به مواد مخدر و مبارزه با بی حجابی نیز به کمیته سپرده شده است.

تشدید تبلیغات ضد افغانی

در روزهای اخیر همزمان با تشکیل کنفرانس ژنو که به مذاکراته در مورد مسائل افغانستان اختصاص دارد، در رسانه‌ها، گروهی جمهوری اسلامی تبلیغات

اعزام اجباری پزشکان به جبهه

دورمانی کشور را در خدمت سیاست تداوم جنگ قرار داده است و این در حالی است که کمبود امکانات درمانی و شیوع بیماری‌های مختلف به یکی از مسائل حاد جامعه تبدیل شده است. عکسی که در زیر مشاهده می‌کنید تنها یکی از نمودهای کوچک فقر امکانات درمانی در کشور است. بیماران باید ساعت‌ها در اتاق انتظار بیمارستان‌ها بنشینند و دست آخر با این جواب مواجه شوند که دکتر نداریم. پزشکان ما به جبهه اعزام شده اند!"

جمهوری اسلامی بخت اعظم امکانات بهداشتی





اعتماد در کارخانه اتمسفر

طبقه بندی مشاغل، از سوی مدیران و انجمن‌های صنعتی بگونه‌ای اجرا می‌شود که در موارد بسیاری حقوق کارگران یا ثابت مانده و یا حتی تنزل یابد. با پیگیری و هتیار کارگران، برخاسته باعث می‌شود اجرای این طرح باعث افزایش حقوق کارگران گردد. از جمله در پی اعتراضات کارگران کارخانه سفر و به واسطه هتیار و پیگیری آنان، این طرح نونه‌ای تصویب شد که بر اساس آن حقوق کارگران بایست ۱۷ درصد افزایش یابد، مدیریت از برای این طرح چوتکیر کرد، که این باعث تراش کارگران گشت. ۴۰۰ نفر از کارگران تیارچه دست به اعتصاب زدند، که در اثر این تعصاب مدیر امور اداری کارخانه که شخص ضد زگری بود و در اجرای طرح اختلال می‌کرد، برکنار

اعتصاب در کشتارگاه شیراز

چندی پیش، عده‌ای از کارگران کشتارگاه از دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران نمایی افزایش سطح دستمزدها بود. مسئولین کارگاه با شناختی که از وضع نابسامان اقتصادی رگران داشتند، از افزایش حقوق امتناع ورزیدند. رگران اعتصابی پس از یک هفته، اعتصاب تحت ارهای مالی، موقتاً عقب نشینی کردند.

اخراج جمعی کارگران و کارمندان
ادامه دارد

مدتی است که مسئولین دولتی و مدیران خانجیات و ادارات به بهانه‌های گوناگون از قبیل بد بودجه، فقدان مواد اولیه و... اقدام به اخراج جمعی کارگران و کارمندان می‌نمایند. اخبار موطبه برخی از این اخراج‌های دستجمعی به شرح است:

* در کارخانه کندم بار (وابسته به سازمان غله ان) ۲۰ نفر از کارگران را به بهانه نداشتن جبه، اخراج نمودند.

* در شرکت هماراک ۲۰۰ تن از کارکنان را اج کردند. اغلب اخراج شدگان را کارکنان زن نیز می‌دهند.

* در کارخانه اونیورسال، عده‌ای از زنان کر را اخراج یا بازخرید نمودند.

* ۶۰ نفر از کارکنان قراردادی سازمان امور

استخدامی را در هفته آخر تیر ماه، از کار اخراج کردند.

* در اداره رادیو تعداد کثیری از کارمندان به دستور مسئولین اخراج شدند.

* عده‌ای از کارکنان دیوان مناسبات نیز به بهانه‌های واهی از کار اخراج گردیدند.

همبستگی کارگران

با گسترده شدن روند اخراج کارگران از کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی، همبستگی بین کارگران در اعتراض تیارچه به این سیاست ضد تارگری افزایش یافته است. دوشماره‌های گذشته خبرهایی در این زمینه را در همین صفحه درج کرده بودیم. در این شماره به دو خبر دیگر توجه کنید.

* در ۱۷ خرداد ماه، ۷۰ کارگریک کارخانه موقتا جر ققیل‌های فرانسوی در تهران برای چوتکیری از اخراج یک کارگر، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب با پیروزی کارگران خاتمه یافت.

* چندی پیش کارگران کارخانه ماشین‌سازی مهندس فرمند در مخالفت با اخراج یکی از کارگران اقدام به اعتصاب نمودند. لازم به تذکر است که این کارخانه متعلق به بخش خصوصی می‌باشد.

اعتراض کارگران

به تاخیر در پرداخت حقوق

مدتی است که رژیم جمهوری اسلامی از پرداخت حقوق کارگران و کارمندان در موعد مقرر سرباز می‌زند. تعویق در پرداخت حقوق کارگران و کارمندان باعث اعتراضات گسترده‌ای شده است. تاکنون کارگران برای دریافت حقوق معوقه خود از همه شیوه‌ها، از جمله نامه نویسی، مراجعه و انتداب نماینده استفاده کرده‌اند. کارگران برخی از کارخانه‌ها، برای اعتراض به مسئولین و همچنین دریافت حقوق خود، دست به اعتصاب زده‌اند. برخی از اخبار این اعتصابات در شماره‌های گذشته نشریه انعکاس یافت. در این شماره، اخبار دیگری در این زمینه ارائه می‌شود:

* در روز دهم تیر ماه، کارگران روزمزد نیروگاه برق قزوین، به منظور دریافت دستمزدهای معوقه خود، دست به اعتصاب زدند. مدتی بود که مسئولین، حقوق کارگران را با یکی دو ماه تاخیر پرداخت می‌کردند. همچنین نماینده کارگران را که برای پیگیری این منظور به مسئولین مراجعه کرده بود، اخراج کردند. اعتصاب دهم تیر ماه با پیروزی به پایان رسید و مسئولین همه طلب کارگران و حقوق معوقه را پرداخت نمودند.

* کارگران کارخانه کولر سازی نسیم، چندی پیش در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق، ماهانه،

دست از کار کشیدند و اعلام اعتصاب نمودند. این اعتصاب نیز با پیروزی کارگران پایان یافت.

* در کارخانه ریستدگی و بافندگی ایتکار، نیز حقوق کارگران با تاخیر چند ماهه پرداخت می‌شود، علاوه بر آن عیدی کارگران نیز تاکنون پرداخت نشده است. کارگران در اعتراض به این وضعیت دست به اقدامات اعتراضی زده‌اند، از جمله اقدامات اعتراضی آنها، دست زدن به کم تارن است. اعتراض کارگران کماکان ادامه دارد.

تظاهرات در شاد شهر کرج

امالی شاد شهر کرج، عموماً زحمتکش و غالباً کارگران کارخانجات همان منطقه می‌باشند. این شرکت فاقد هر گونه امکان رفاهی از قبیل آب و برق، می‌باشد. مدتی بود که اعتراضات و درخواستهای امالی از جانب مسئولین بابی اعتقانی موابه می‌شد. از اینرو امالی این محل در او خرداد ماه، ملی یک حرکت اعتراضی اقدام به تظاهرات و مسدود ساختن خیابانها و گذرگاههای این محل نمودند.

درگیری دستفروشان و مامورین رژیم

در غروب روز ۲۲ تیر ماه، مامورین کمیته و شهرداری به دستفروشان مقابل در ورودی پارک لاله تهران حمله کردند. حمله وحشیانه مامورین باعث انزجار و خشم مردم و دستفروشان گردید. در برابر این تهاجم، گروهی از دستفروشان و مردم حاضر که قریب به ۲۰۰ نفر بودند، دست به مقابله و مقاومت زدند. دستفروشان با چوب و سنگ به دفاع از خود برخاستند.

تحصیل رایگان بعد از پرداخت شهریه

در سال تحصیلی گذشته، مسئولین بسیاری از مدارس، به هتنام ثبت نام دانش آموزان، والدین آنها را به منظور گرفتن شهریه تحت فشار قرار دادند. روند اخذ شهریه در سال جاری، نیز با شدت بیشتری صورت می‌گیرد. اکنون که فصل ثبت نام آغاز شده است مدیران مدارس به دستور مسئولین آموزش و پرورش با توسل به بهانه‌های گوناگون و گناهناطور مشخص تحت عنوان شهریه، از والدین دانش آموزان وجوهی را اخذ می‌کنند. به دنومنه از تهران در این رابطه توجه کنید:

* در دبستان دخترانه زینب واقع در خیابان نواجه عبدالله، از والدین هر دانش آموز مبلغ ۵۰۰۰ ریال بابت شهریه دریافت می‌کنند. والدین به خاطر ثبت نام فرزندانشان خود، ناگزیر به پرداخت این مبلغ هستند، در غیر اینصورت مسئولین از ثبت نام خودداری می‌ورزند.

* در مدرسه معاد واقع در تهرانپارس، از والدین دانش آموزان می‌خواهند تا قبض‌های کمی مالی خریداری کنند. بدیهی است ثبت نام فرزندان آنها مشروط به خریدن تعدادی از این قبوض می‌باشد.

در ماههای اخیر در برخی محافل ایرانیان مقیم خارج از دیدگاههای گوناگون، جوانب اخلاقی و اجتماعی مساله ازدواج و همسرگزینی، اهداف و معیارهای آن، بیش از گذشته مورد بحث بوده و مطالب زیادی در این زمینهها انتشار یافته است. اما جوانب نظری مساله اصولاً کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تشریح دیدگاه مارکسیستی در مساله همسرگزینی و ازدواج میتواند ملاک روشنی را برای تفکیک و تشخیص دیدگاههای ترقیخواهانه و واپسگرایانه ارائه دهد. اهمیت ترویج دیدگاه مارکسیستی در این زمینه دروضه فعلی بویژه از این نظر برجستگی می یابد که توجه کنیم چگونه دیدگاههای پچا مانده از دوران بربریت و از صدر اسلام و عصر فتودالیسم در محافل با دیدگاههای بورژوازی معاصر خودنشانی کرده تا یک تاز میدان فتح مغزهای بکر کردند.

برای مارکسیست - لنینیست ها همواره اخلاق و چگونگی مناسبات انسان ها در زندگی شخصی و خصوصی اهمیتی فوق العاده داشته است. بنیانگذاران کمونیسم علمی، مارکس، انگلس و لنین و نیز روند ۱۴۰ ساله تکامل اندیشه آنان در جهان بدو درخشانی ثابت می کنند آنچه را که بورژوازی و دیگر طبقات ستمگر در طول تاریخ کوشش کرده اند تحت عنوان "اخلاق" و "معنویت" در میان زحمتکش رواج دهند از جمله آنچه که مروجین بورژوازی و متفکرین فتودالیسم در زمینه مسئله همسرگزینی، ازدواج و مناسبات زن و مرد در زندگی اجتماعی ترویج می کنند و آنچه که آنان از نظر مارکسیسم در این زمینه عنوان می کنند، عمیقاً عوامفریبانه، غیراصولی و ضدانسانی است. تبلیغات وسیعی که علیه مارکسیسم درباره ازدواج و مناسبات زناشویی انجام شده و می شود، همه و همه پرده ساتری برای پوشاندن ماهیت مناسبات ستمگرانه ایست که در جامعه طبقاتی در این زمینه استوار است. به علاوه دشمنان مارکسیسم معمولاً از اینکه مارکسیسم پدیده های اخلاقی، سنن اجتماعی و رفتار اجتماعی انسان ها نسبت به یکدیگر در زندگی را بخشی از روبنای اجتماعی جامعه شناخته و تاکید می کنند که آنچه این پدیده ها را تعیین می کند زیر بنای اقتصادی و مرحله تکامل اجتماعی اقتصادی جامعه است. اینطور نتیجه می گیرند که مارکسیسم به "معنویت" و "اخلاق" بهائی نمی دهد و به همین دلیل مروج "فساد و فحشا" است. این

یک نتیجه گیری بی غایت فریبکارانه است و هدف آنست که توجه انسان ها را از علل و ریشه های نابسامانی ها و دردهائی که در زندگی اجتماعی جامعه طبقاتی و از جمله در زمینه های فوق بروز می کند دور کند و در مبارزه در راه تغییر نظام اجتماعی اختلال ایجاد کند. مارکسیسم برخلاف سایر مکاتب، بنانه معیار ارزش و بنانه عامل

نمی کشید تحت فشار قرار نمی دهند و به محاکمه نمی کنند. کمونیست ها لرفدار آن هستند که روند تشکیل خانواده و بقا رابطه زوجین را عمدتاً اقتصادی و دفاعی آن، که در جامعه طبقاتی طبقاتی ترین عملکرد خانواده است، تعیین نکند. کمونیست ها جامعه ای، خواهند ساخت که امر دفاع از اعضا، خانواده و امر تأمین اقتصادی آنان را جامعه بر عهده

هر ازدواجی که بر بنیاد عشق متقابل و اقتا آزادانه مرد و زن بنا نشده باشد غیر اخلاقی است انگلس

مارکسیسم و همسرگزینی

نوشته:

رفیق رفیه دانشجویی، عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

می گیرد.

از ما می پرسند اگر این کارکردها ضرورت تشکیل خانواده را توجیه نکنند دوام رابطه میان زوجین ست خواهد شد و بیوند زناشویی گسسته می شود. ما می گوئیم وقتی سایه جبر و زور اقتصادی و غیر اقتصادی از سر بیوند زناشویی برداشته شود این بیوند مضمون عالی انسانی، عاشقانه و خصوصی خود را باز خواهد یافت و به همین دلیل پایدارتر و استوارتر می شود. عشق و نیاز به زندگی مشترک و داشتن و پرورش فرزندان عالیترین انگیزه درونی و پایدار و انسانی زن و مرد برای ادامه زندگی مشترک است، درست بر عکس اعمال زور در برقراری این رابطه، آن را ست و از مضمون واقعی و طبیعی فرد تهی می سازد.

بیشرفت جامعه بشری و گسترش روند حل تضادهای اجتماعی واقعیت ازدواج را به حقیقت آن (که بیوند عاشقانه و نیاز به مشترک زیستن زوجین است) باز می گرداند. فکر ترقی خواه هم امروز مروج این ایده است که ازدواج باید تا مرحد ممکن به چنین مضمونی نزدیک شود. فکر ترقی خواه امروز نمی تواند برای ازدواج هائی مورا بکشد که نه شوق آزادانه و رهائی یافته برای زیستن و بودن بایکدیگر، بلکه مصالح و منافع و مطامع سیاسی و اقتصادی محرک اصلی برقراری آن بوده است. در عصر جاهلیت برای برقراری

پایداری و جاودانگی ازدواج و بیوند زناشویی، رابطه عاشقانه عاطفی و معنوی میان زوجین و نیاز و تمایل آتیه ها، شخصی، خصوصی، فردی، و داوطلبانه و متقابل زوجین بایکدیگر می شناسد. مارکسیسم رابطه و بیوندی را که بر این اساس پدید می آید رابطه ای عمیقاً اخلاقی، انسانی و رهائز همه فیود ضد انسانی و اسارت یار می شناسد. مارکسیسم این گونه ازدواج را می ستاید و تقدیس می کند. اما تشریح می کند در جامعه طبقاتی توده های خلق و نیز حتی طبقات استثمارگر بطور کلی از این - ن محرومند که همسرگزینی و زندگی مشترک آنان تحت تاثیر الزامات خارجی و تحمیلی قرار نگیرد. مارکسیست ها می گویند چنان جامعه ای بنا کنند که در آن برقراری و یا قطع رابطه زناشویی از هر نوع جبر و الزام خارجی و غیر شخصی اعم از الزامات و اجبارات اقتصادی و غیر اقتصادی، مضمون بماند و تنها تمایلی شخصی و خواست آزادانه لرفین ضامن بقا و دوام و جاودانگی بیوند آنها گردد. به همین دلیل است که کمونیست ها چه زمانی که مسئولیت اداره کشور را بر عهده می گیرند (کشورهای سوسیالیستی) وجه زمانی که در راه معو شده طبقات ارتجاعی مبارزه می کنند هیچگاه (حتی یک نمونه هم وجود ندارد) زن و مرد را بناظر اینکه چرا ازدواج کرده اند و یا چرا ازدواج نلاق گرفته اند و یا چرا ازدواج

بیوند و حسن رابطه سیاسی میان قبایل بین آنان "بیوند خونی" برقرار می کردند و زنائی را به زوجیت افراد و غالباً رئیس قبیله مقابل می فرستادند. این گونه ازدواج ها از جوهر متعالی و انسانی خود بی بهره است و به خشن ترین شکل ممکن زندگی و احساس زن و نیز حرمت عشق و عالیترین عواطف و احساسات بشری را لندکوب می کند. داستان ها و اساطیر ما محنت کده ها و غم خانه هائی را که در طول تاریخ این گونه ازدواج ها آفریده است به تصویر کشیده و محکوم کرده است.

بشریت مترقی هم چنین نمی تواند و نباید پای قبیله ازدواج هائی مهر تایید بگذارد که محرک آن کسب سود و منافع اقتصادی است. در جامعه طبقاتی البته انگیزه اقتصادی در ازدواج بشکلی عمیقاً غم انگیز یک انگیزه واقعی، عادی و تقریباً همگانی است. بورژواها و فتودال ها نمی توانند به ازدواج به مثابه وسیله ای برای انباشت ثروت بیشتر ننگرند. وسعت شیوع فحشا و خودفروشی در جامعه سرمایه داری قبل از همه بیانگر آنست که چگونه عشق و علائق دو جانبه و خصوصی توسط فشار اقتصادی به بیرحمانه ترین شکل ممکن لندکوب و از درگاه زندگی رانده میشود.

در جامعه طبقاتی زن آزاد نیست و نمی تواند در امر همسرگزینی احساسات و علائق و انگیزه های شخصی، خصوصی و درونی خود را مبنای انتخاب قرار دهد. زن زحمتکشی که از شرکت برابر حقوق با مرد در پرورش تولید و داشتن منبج درآمد مستقل که حاصل کار خود اوست محروم است و به همین دلیل حق زیستن او به اراده شخص دیگری بستگی یافته است نمی تواند و آزاد نیست که عامل اقتصادی را در امر ازدواج نادیده بگیرد. در مبین ما همسرگزینی مرد عرفاً متضمن پرداخت مهریه و شیریه است که امری حقارت بار، اهانت آمیز و غیر اخلاقی است. زن در جامعه طبقاتی محکوم است از خود بیگانه شود، احساس و علائق درونی و طبیعی خود را فدا کند تا حق زیستن بدست آورد. بیپوده نیست که از یک سو فکر انسانی در جامعه طبقاتی تصویرگر خلاق این رنج از خود بیگانگی و آثار تلخ آنست، باز هم بیپوده نیست که فکر ارتجاعی فریبکار در مبین جامعه می گویند این رنج زن زحمتکش را نشانه "وفاداری" و "فداکاری" او معرفی کند.

اینها همه واقعیت های تلخ

زندگی در جامعه، حقیقتی است، واقعیت هائی که عنصر رزمنده انقلابی نه تنها میر تأیید بر آن نمی‌کوبد، بلکه شجاعانه با آن می‌شیرد و رهائی زن و بازگرداندن حقیقت عالی و انسانی هسگرزینی به واقعیت آن را حاصل پیکار و رسالت متعالی خود در راه محو جامعه حقیقتی می‌شمارد.

از سوی دیگر مارکسیست‌ها و همه بشریت پیشرو با دیدگاهی که مضمون رابطه زن و مرد، مراوده زن و مردنگاه زن و مرد به یکدیگر را دارای مضمون، هدف و محرک صرفاً حیوانی و از آن هم فجیع‌تر "حیوانی" می‌شناسد می‌ستیزد و جوهر بدوی و ارتجاعی آن را افشا می‌کند. آن زندگی که به بوئی از تمدن آمیخته باشد نمی‌تواند بپذیرد که ارتباط فعال زنان و مردان در تولید و فعالیت اجتماعی، همکار بودن و فعالیت تنگاتنگ آنان دوشادوش یکدیگر و از جمله در جریان پیکار انقلابی لزوماً به رشد عناصر ضد اخلاقی، به برقراری روابط جنسی و احساسات تجاوزگرانه در روابط میان آنان منجر می‌شود. دیدگاهی که برای فعالیت مشترک (تولیدی، اجتماعی و سیاسی...) زن با مرد در زیر یک سقف، پشت یک میز و در یک سنگر شرط ضرورت و زوجیت را ضروری می‌شناسد فکری است بدوی و ارتجاعی که به شخصیت زن و نیز مرد توهین می‌کند و محتوای حقیقی هسگرزینی یعنی نیاز به "دوست داشتن" و "عشق" را لگدمال و بی‌بها می‌کند و مقام انسان را تا حد پستانداری که به برقراری رابطه با جنس مخالف وادار شده است تنزل می‌دهد. تئوری آخوندهای مرتجع که گویا اگر زن و مرد زیر یک سقف، در یک محیط دوشادوش هم کار کنند، مبارزه کنند، زندگی کنند لزوماً هم بایکدیگر روابط جنسی برقرار خواهند کرد و کار به تجاوز به حریم اخلاق می‌کشد یک تئوری ارتجاعی محض و متعلق به اعصار است که زن برده کامل بود، که مرد برای "استفاده" از او، را به ملک مطلق خود مبدل می‌ساخت.

انتیژه کاربرد این تابو در جامعه فئودالی و سرمایه‌داری قبل از آنکه جلوگیری از "تجاوز به حریم اخلاق" باشد جلوگیری از تجاوز به حریم "مالکیت" است. جامعه فئودالی زن را رسماً، شرعاً و عرفاً "متعلقه" مرد می‌شناسد. احساس مالکیت و "حق تمیّم" مرد نسبت به زن مورد حمایت ایدئولوژی حاکم است. کاربست و رعایت دقیق اصل "محرمت"، که با انبوهی از قیود و

ضوابط شرعی و عرفی مشخص می‌شود، هیچ هدفی جز کاربست و رعایت دقیق حریم مالکیت مرد نسبت به زن و جلوگیری از هر گونه تجاوزی به آن، نداشته است. محدودیت فوق‌العاده مرک باری که برای زن در خارج از حریم مالکیت مرد برای برقراری رابطه با جامعه برقرار می‌شود و حقوق نامحدودی که در حریم مالکیت مرد برای وی در رابطه با زن در نظر گرفته می‌شود همه و همه گویای آنست که تعیین دقیق ضوابط شرعی و عرفی "محرمت" هیچ هدفی را جز تعیین دقیق حریم مالکیت مرد بر زن و جلوگیری از وارد آمدن هر گونه خدش‌ای به این حریم (از طریق تحصیل اسارت مطلق زن در خانه و در جادر و جاقچور و منزوی و محروم کردن او از حق حیات اجتماعی) نداشته است. منافع بورژوازی البته بسیاری از این قید و بندها و غل و زنجیرها را بسود خود نمی‌بیند. روند اجتماعی شدن تولید بسیاری از این قیود مسخره را به زیاله‌دان می‌فرستد. با این حال جامعه سرمایه‌داری رابطه برابر حقوق زن و مرد را نقض می‌کند و می‌کوشد جوانی از سطره مالکانه مرد بر زن را همچنان زنده نگه‌دارد.

مفهوم "دوست داشتن" و "رابطه عاشقانه" میان زوجین برخلاف آنچه که از سوی ارتجاع طبقاتی اشاعه داده می‌شود رابطه‌ای عاری از محتوای غنی معنوی و یک پیوند توخالی نیست. بدون همسازی ایدئولوژیک، بدون هم‌گونی فرهنگی و ملی، بویژه با خصوصیات رفتاری نامساز البته یک زندگی مشترک استوار و سرشار از علاقه و علاقه مشترک شکل نمی‌گیرد. در میان کسانی که از فرهنگ غنا بی‌انته‌تر و متعالی‌تری بهره‌مندند،

در میان عناصر وابسته به سازمانهای سیاسی رزمنده در راه آزمانهای باانده که عنصر ایدئولوژیک، عنصر بسیار مهم و نقش آفرین زندگی است، این بسیار طبیعی است که هسگرزینی بیشتر از تئوریتی صورت بپذیرد که یگانگی فکری بیشتری را در زندگی مشترک تأمین می‌کند.

اکثریت نیرومندی از فدائیان ترجیح داده‌اند که هسگر خود را از میان هواداران سوسیالیسم برگزینند. این یگانگی زندگی زناشویی را باید اتر می‌سازد. در رابطه کنونی پیوند ازدواج میان عناصر انقلابی با کسانی که آگاهانه یا آرمات طبقه کارگر خصومت می‌ورزند و یا در دستجات ضد انقلابی فعال هستند کار ادامه مبارزه آن عنصر انقلابی را غیر ممکن و یا بسیار دشوار می‌سازد و از جوانب مختلف سازمان را نیز دچار مخاطره می‌نماید. در این رابطه رفقای که قصد ازدواج دارند و تلیفه خود می‌دانند که مورد انتخاب خود را به مسئولین سازمانی معرفی کنند و در این زمینه نظر سازمان را مورد توجه قرار دهند. برای یک سازمان انقلابی جدی و مسئول، برای سازمانی که در شرایط سرکوب و خفقان فعالیت انقلابی وسیعی را در میان توده‌ها سازمان میدهد این توجه یک ضرورت حتمی است. اما در سازمان‌ها حتی یک مورد هم وجود نداشته است که به دلایل سیاسی، یا تشکیلاتی، به عنوان انجام یک ماموریت سازمانی و یا برای ارتقا، رتبه سازمانی و یا تنزل آن و یا بهر دلیل دیگری از سوی ارتكاف‌های رهبری و مسئولین سازمان برای این یا آن رفیق فرمان ازدواج با شخص معینی صادر شده باشد. انسان

تمدن و با فرهنگ این ازدواج‌ها را به عنوان نمونه‌های "ایشان و فداکاری" و "تعهد انقلابی" تقدیس نمی‌کند. اکثر پیوند ازدواج سرشار از عاطفه و احساس عاشقانه و انتخاب شخصی و درونی طرفین است، پس نمی‌توان و نباید آن را به عنوان فداکاری و ایثار عشاق در راه خلق و انقلاب جلوه‌گر ساخت یا آن را به عنوان "انجام وظایف سازمانی" قلمداد کرد و اگر پیوند ازدواج عاری از هر گونه احساس و عاطفه و علاقه متقابل است، تقدیس تن دادن به آن تحت پوشش "ایثار" و "فدا" و وسیله قرار دادن آن برای رسیدن به یک رشته اهداف سیاسی و تشکیلاتی (امدافی که ضرورتاً و در هیچ مورد نمی‌توانند مردمی و مترقی باشند) هیچ معنایی جز لادکوب و حشانه شخصیت انسانی و عواطف بشری و پیش از همه سرکوب شخصیت و عواطف زن ندارد. هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و اهداف شریف نیز بهیچوجه محتاج توسل به سایل غیر شرافتمندانه نیست.

انتس در این باره می‌گوید ازدواج مصلحتی غالباً به ناهنجارترین نوع فحشا (کاهی از طرف زوجین و معمولاً از جانب زن) تبدیل می‌شود که تنها تفاوتش با نوع معمول آن در اینست که آندو تن خود را نه مانند یک مزدور مقاطعه‌کار، بلکه خود را یک بار برای همیشه به بردگی می‌فروشند، او در این زمینه از فوریه نقل می‌کند که می‌گوید "درست مثل دستور زبان که در آن دو معنی یک مثبت را می‌سازند در اخلاقیات ازدواج هم دو فحشا یک عفت را می‌سازند"

مارکسیسم دیدگاههای ازدواج مصلحتی را تقدیس نمی‌کند و آن را وسیله تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی و تشکیلاتی و از این قبیل قرار نمی‌دهد. دیدگاههایی که ازدواج را از جوهر و مضمون عالی انسانی خاص خود تهی می‌سازد، دیدگاههایی است که شان و مقام والای انسانی و بویژه زن را مورد تحقیر و توهین قرار میدهد و آنرا از خود انسان بیگانه می‌سازد. کمونیست‌ها جهانی را می‌سازند که در آن آزادی، اراده زوجین را در انتخاب یکدیگر برای زندگی مشترک، جز علاقه و عاطفه و احساس مشترک و درک نیاز متقابل آنان به یکدیگر، جز تفاهم معنوی، جز عواملی که به خود آنان و به اراده آزاد و مستقلشان مربوط می‌شود هیچ عامل بیرونی، تحمیلی و اجباری، چه آشکار و چه پنهان، زندگی مشترک آنان را تحت تأثیر و تحت سلطه خود نگیرد.



بقیه از صفحه اول

دیکتاتوری فاشیستی رژیم پینوشه با تمام توان خود آن را تحت پیگرد قرار می‌دهد، نه تنها موفق شده است که زنده بماند، بلکه توانسته است حتی وزن خود را در جامعه شیلی افزایش دهد.

ارلاندو میللاس می‌گوید: "حزب ما ضربات هولناکی متحمل شده است. شاید از صفوف ما بودند. اما در حال حاضر تشکیلاتی داریم که حتی از پیش از کودتای مستحکم‌تر است. نفوذ ما بر حیات کشور افزایش یافته، و من صادقانه معتقدم که پیوند میان حزب ما و سایر نیروهای سیاسی هیچگاه بدین گسترده‌گی نبوده است. این پیوند، بسیار عمیق‌تر و فراتر از پیوندهایی است که در تاریخ کشور سابقه داشته است."

این حکم تنها ادعای یک کادر رهبری حزب نظیر میللاس نیست، بلکه مأموعات رسمی شیلی نیز آن را تأیید کرده و بارها نوشته‌اند: "کمونیسم در شیلی آوار که پینوشه قول داده

بود ویشه‌کن نشد، بلکه بر عکس، قوی‌تر از هر زمان شده است."

اما در هر حال، حزب کمونیست معتقد است، بر اثر تغییر اوضاع کشور انقلابی لازم است که در آن، نیروهای گوناگونی که کلیت اپوزیسیون شیلی را تشکیل می‌دهند، گرد هم آیند. این، یک وظیفه بسیار دشوار است. اتحاد چپ‌مانیز به سادگی تحقق نمی‌پذیرد. اما با این همه، توافق‌هایی حاصل شده که زمینه‌ای برای انعقاد قرار داد یا بخش‌هایی از بورژوازی، از جمله برخی نیروها که در گذشته از رژیم پینوشه حمایت می‌کردند، به شمار می‌رود. این نیروها در آغاز کنار گذاشتن حزب کمونیست از هر گونه اتحادی را طلب می‌کردند، اما اخیراً آنها نیز نشانه‌هایی دال بر موافقت با چنین قراردادهایی بروز داده‌اند، قراردادهایی که امید تعیین یک اتحاد گسترده را که بتواند به اکثریت رژیم دیکتاتوری پایان دهد، بر می‌انگیزد.

در زیر بخشی از مصاحبه رفیق میللاس را می‌خوانید.

دیر کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی:

ائتلاف نیروهای ضد دیکتاتوری فراگیر می‌شود

س: چه چیز این نیروهای راست را برانگیخته است که موضع خود را تغییر دهند، و چرا به عقیده شما می‌توان به ائتلاف وسیع برای پایان دادن به دیکتاتوری اندیشید؟

ج: در کشور همه می‌دانند که اتحاد راست با میانه علیه چپ در تاریخ هرگز به نتیجه خوبی منجر نشده است. این تجربه، امروز بر دوش آن نیروهایی از میانه و راست سنجینی می‌کند که سرنوشت تاریخی‌ای که این اتحاد برایشان ببار آورده، به تنگ کامی‌شان انباشد. گمان می‌کنم امروز افرادی در احزاب گوناگون هستند که درک کرده‌اند تکرار این قضیه بیهوده است. اندیشه یک ائتلاف وسیع علیه دیکتاتوری و بر مبنای هدف مشترک نیل به دموکراسی و آزادی، هر روز بیشتر طرفدار پیدا می‌کند و فراگیر می‌شود. ما اطلاع داریم که این موضع، بسیار قوی و دارای ریشه‌های عمیق در نیروهای سیاسی کشور است و پایه توده‌ای وسیع شده، آن را تقویت می‌کند. این امر، امکانات وسیعی می‌تواند ببار آورد.

س: برخی نیروهایی که وجود آنها برای یک اتحاد وسیع بسیار مهم است، گفتگو با رژیم را به عنوان یک راه حل ممکن برای خروج از موقعیت کنونی پذیرفته‌اند. شما با آن مخالفید چرا؟

ج: آنچه ما مخالفتمان را با آن اعلام کرده‌ایم این است که بر مبنای حفظ وضع کنونی وارد مذاکره بشویم،

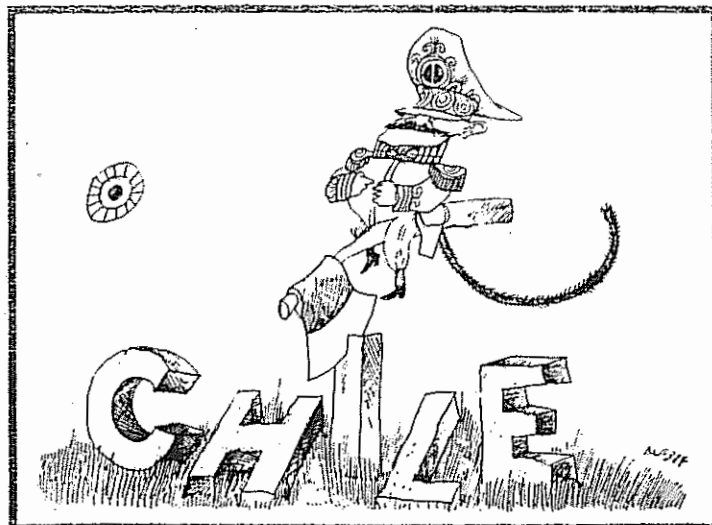
س: تصور شما درباره دموکراسی آینده در شیلی چیست؟

ج: ما خواهان یک دموکراسی هستیم که همه در آن سهم باشند، یعنی همان چیزی که دموکرات‌های مسیحی از آن زیاد سخن گفته‌اند... ما خواهان یک دموکراسی مترقی هستیم که مسائل اقتصادی را حل کند و در عین حال، یک دموکراسی اقتصادی و اجتماعی نیز باشد. اما اگر در لحظه مشخصی، دموکراسی‌ای روی کار آید که تا این حد مترقی نباشد، تا این حد دموکراتیک نباشد و حتی فقط یک دموکراسی صوری باشد، ما بازم از آن حمایت خواهیم کرد تا موفق شود به سود مردم مانتول یابد. زیرا برای ما تفاوت میان یک رژیم دموکراتیک و یک رژیم غیر دموکراتیک، به عق یک دره و از همه چیز مهمتر است.

زیرا ما فکر می‌کنیم که هیچ مذاکره نمی‌تواند وجود داشته باشد که بر اساس آن رژیم پینوشه همچنان سرکاریماند. ما تا آنجا با مذاکره موافقیم که در آن شرایط تحویل قدرت به مردم تعیین گردد. زیرا مردم تنها صاحب مشروع قدرتند.

س: اتحادی که شما پیشنهاد می‌کنید، تا کجا باید پیش رود؟

ج: ما طرفدار آن چیزی هستیم که لویس کوروآلان اتحاد اپوزیسیون چپ، میانه و راست نامیده است. سخن بر سر توافق همه نیروهای دموکراتیک است، نه یک توافق مصنوعی و یا یک امر کاملاً ذهنی. ما خواستار توافقی هستیم که هدف احیای حکومت مردم در شیلی و ایجاد یک نظام دموکراتیک را فراوری خود قرار دهد.



س: به نظر شما مشخصات دموکراسی نوینی را که پس از سرنگونی دیکتاتوری در شیلی ایجاد خواهد شد، چه چیز تعیین می‌کند؟

ج: میزان شرکت مستقیم توده‌های مردم در ساختمان رژیم نوین در هر حال ما کمونیست‌ها افرادار "همه چیز یا هیچ چیز" نیستیم. ما اعتقاد نداریم که تنها ما و صرفاً ما حق داریم. از این رو متأسفیم که برخی دیگر این موضوع را می‌گیرند. ما برآنیم که هر میزان از دموکراسی که بتوان به آن دست یافت، پیروزی بزرگی برای خلق خواهد بود. پیروزی‌ای که برای تضمین تکامل موفقیت آمیز آن، همه ما باید از آن دفاع و حمایت کنیم.

س: وضعیت فاجعه آمیز اقتصاد کشور تا چه حد دموکراسی آینده شیلی را تحت تأثیر خواهد گرفت؟

ج: درست به همین دلیل نظر ما این است که معقول‌ترین و ضروری‌ترین امر برای شیلی دموکراسی‌ای است که قادر باشد مسائل اساسی را حل کند، دموکراسی‌ای با شرکت وسیع زحمتکشان، دهقانان، دانش‌آموختگان و فرهنگیان، زنان، زافه نشینان، زیرا تنها از این طریق می‌توان بر مشکلات اقتصادی فائق آمد. آنچه این مسائل را تشدید می‌کند، موازنه منفی تجاری است که بر اثر سیاست "مکتب شیکاگو" (مکتب اقتصادی‌ای که رژیم پینوشه طی سالها در شیلی از آن پیروی می‌کرده، شامل سیاست درهای باز و بازگذاشتن کامل دست انحصارات، م.م. بوجود آمده و به کشور لطمه‌ای معادل ۴۰ میلیارد دلار زده است. عامل دیگر، قروض خارجی است که از ۲۲ میلیارد دلار تجاوز می‌کند. ۲۲ میلیارد دلاری که شیلی هرگز به خود ندیده است، زیرا این پول مستقیماً به جیب الیگارش‌های مالی رفته است. اما با همه لطماتی که کشور دیده است، شیلی هنوز از ثروتهای طبیعی خود بهره‌مند است. آنها موفق نشده‌اند کل پتانسیل تولید کشور را از بین ببرند. از این گذشته، کشور ما از لحاظ کارگری برخوردار است که آموزش دیده و در سطح بالایی قرار دارد. ما نیروی متخصص در اختیار داریم و شرایط پیشرفت را دارا هستیم. ما اطمینان داریم که توافق همه نیروهای دموکراتیک و یک دموکراسی واقعی با شرکت همه نیروهای کشور، باعث خواهد شد که بتوانیم به آینده باخوش بینی بپردازیم.

ویکتور خارا:

استاد یوم شیلی

ما پنج هزار تنیم.

در این تکه کوچک شهر و اماچند تن خواهیم شد اکثر

بر شمار شهرها در سراسر میهن

مادر این جاده هزار دستیم،

دستهایی که دشت هارامی کارند

و کارخانه هارامی چرخانند.

چهارم شمارند مردمانی که بکام گرسنگی و سرما

بکام اندوه و نگرانی افکنده شده اند.

وزیر یوم بردگی و در چنگال شکنجه روانی.

شش تن از مابه فضای پاک ستارگان عروج کردند

یکی را کشند، دیگری را له کردند،

آن گونه که هیچگاه نمی توان پنداشت

که می شود موجودی انسانی را له کرد.

چهارتن خواهند خورد ابرهاند

از همه راس ها و دله ها

برخی جهیدند در خلا!

و دیگران راس های خویش را، به دیوارها کوفتند،

اما همگی بانگهای خیره شده در سیمای مرگ.

چه دهشتناک است چهره فاشیت.

وقت آنان در تبهکاری، مرز نمی شناسد

و بر لجام گسیختگی شان مهری نیست.

خون برایشان نشان لیاقت

و گردن زدن قهرمانی است.

خدا ایما، همین است آن جهان انسانی که آفریده ای!

و برای همین بود آن مفت روزی که خلق کردی

و پس آسود!

در میان این چهار دیوار تنهاتر آن آسم

که مرگ برای آدمیان بیشتری کام کشوده باشد.

و اینک

باتک زنهار وجدان

همراه صدای دوردست چرخ کامیون ها

خبر می دهد از جزرمدی بی انتها.

نگاه میان چهره خود را می آرایند.

گویی که می خواهند،

به سیمای مادری مهربان در آیند.

اما کمزیک و کوبان دنیا فریاد می کشند:

ننگ بر این ننگ سیاه.

مادر این جاده هزار دستیم

دستان رنج

دور سراسر میهن پراکنده ایم.

خونی که نثار کرد دیر زیدنت

رفیق ما

نیرومند تر است از

خمیازه آن ها و رگبار مسلسل هایشان.

ای ترانه، آوای که چه سخت است سروندت

چرا که می خواهی ترس را بر ابرام،

ترسی که زندگیم را می کشد،

ترسی که مرگم را می زاید.

لحظه های بیرون از شماری است

که به چهار میخ کشیده اند،

در این جاکه خاموشی و ناله

آماج ترانه مند.

در این لحظه های ابدی،

چشمان من می بینند

آنچه را که پیش تر هرگز ندیده اند

هر یکی را که در این لحظه از مرکز رانده ام

و باز بر من خواهد گذشت

شاید درست در همین لحظه روی دهد.

ج: فکر نمی کنم هیچ کس طرفدار آشتی با کسانی باشد که آن جنایات را در حق مردم انجام داده اند. اما آشتی می تواند و باید بر اساس عدالت پدید آید، به شلی که مسئولین واقعی جنایات مجازات شوند. این، آرزوی عمیق طبقه کارگر است که به هیچ وجه احساسات انتقام جویانه ندارد. بزرگترین انتقام طبقه کارگر شیلی این خواهد بود که یک شیلی سرفراز، مرفه، آزاد و دموکراتیک بسازد. شیلی ای که در آن ابتدایی ترین حقوق انسانی - حق خوردن حق همه شهروندان به زندگی کردن - رعایت شود.

س: برای نیروهای مسلح در دموکراسی نوین چه نقشی قائلید؟

ج: آنچه مهم است این است که شیلی نمی تواند نیروهای مسلحی داشته باشد که علیه مردم خود بجنگند. نباید نیروهای مسلحی وجود داشته باشد که از دکتترین دیکته شده توسط آمریکا بنام دکتترین "امنیت ملی" پیروی کنند، دکتیرینی که بر اصول بیتری استوار است. ما نمی توانیم نیروهای مسلحی داشته باشیم که با دکتراسی مخالفت ورزند. شیلی نظامیانی احتیاج دارد که با مردم احساس یگانگی بکنند، که از عتق و احترام مردم برخوردار باشند، نه به ولایف خود در زمینه دفاع و پیشرفت بپردازند. ما اطمینان داریم که در همین نیروهای مسلح فعلی هم نیروهای بسیار ارزشمندی وجود دارند که نقش تعیین کننده ای در نیروهای مسلح آتی، نیروهای مسلح دموکراتیک کشور، ایفا خواهند کرد.

س: اما این موضوع از آنجا که به اعمال قهر در کشور مربوط می شود، بسیار حساس است. این امر موجب آزار هم نیست، زیرا اکثر کار به اعمال قهر نکند، آنجا (نیروهای مسلح) محور تحولات خواهند بود. در رابطه با این موضوع، نیروهای راست دست به کارزار تبلیغاتی گسترده ای زده و مدعی هستند حزب کمونیست از اعمال قهر طرفداری نموده و از جنبش شورشی "جبهه میپنی مانوئل رودریگز" حمایت می کند. نظر شما در این باره چیست؟

ج: به نظر من، آنهایی که به صراحت علیه قهر فرمالی ای که در شیلی وجود داشته و امروز توسط رژیم که قدرت را با یک کودتای خونین به دست گرفته، نمایندگی می شود، موضع نگرفته اند، باید نمی در کناربرد و از قهر محتاط باشند. البته حزب کمونیست معتقد است مردم حق دارند از خود در برابر مصلحت ددمنشانه دفاع کنند. قهر تروریستی که در پای اعمال می شود، علیه مردم است، و مردم باید از همه وسایل برای مقابله با آن بهره ببرند. این، یک یاست روشن و معقول است که همه مردم شیلی آن را رگ می کنند. تا آنجا که به "جبهه میپنی مانوئل رودریگز" مربوط می شود، حزب کمونیست اعلام کرده ست که ما همه آنهایی را که به این یا آن شیوه علیه یستاتوری مبارزه می کنند، به ویژه آنهایی را که به بن امر با شجاعت، از خودگذشتگی و ایثار بپردازند، تحسین می کنیم. این امر بدان معنی ست که ما با آنها بی میستیم، اما وظیفه میپنی خود را داریم که از آنها استقبال کنیم.

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

سیر صعودی خروج از کشور

کاهش میزان ارز مسافرتی از ۵۰۰ دلار به ۳۰۰ دلار و افزایش عوارض خروج بر روی تعداد مسافرانی که کشور را ترک می کنند، تأثیری به جا نداشته است. جماعت غارتخانه ها در تهران همچنان صفای ملیون تشکیلی می شود و برای خرید بنیاد هواپیمایمپان باید ماهها در انتظار ماند. هواپیمایمپان ملیون مسافر ایرانی را ترک می کنند و خالی باز می کردند. تعداد مسافرانی که از کشور خارج می شوند به مراتب بیش از کسانی است که به کشور باز می کردند. به عنوان نمونه طبق آمار دولتی در سال ۱۳۶۱، ۱۰۵۰۰ نفر و در سال ۱۳۶۲، ۱۲۶۰۰ نفر به فرودگاه مهرآباد وارد شده و در عوض به ترتیب ۱۲۷۰۰ و ۱۸۲۰۰ نفر از این فرودگاه خارج شده اند. به عبارت دیگر در سال ۱۳۶۱ تعداد کسانی که فقط از مهرآباد خارج شده اند ۲۲۰۰ نفر بیش از کسانی است که به این فرودگاه وارد شده اند. این

خشکسالی در سیستان و بلوچستان

خشکسالی در بسیاری از مناطق کشور پدیده ای چشمگیر است. از این پدیده بیش از هر جا استان دایما مصیبت زده سیستان و بلوچستان که دچار خشکسالی مزمن است، رنج می کشد. بادهای ۱۲۰ روزه این استان که هم اکنون در حال وزیدن است بر ابعاد خشکسالی افزوده است. دریاچه هامون خشک شده و هزاران دام تلف گردیده است. روستاهای بسیاری در زیر خروارها شن و خاک دفن می شوند و مردم گرسنه و محروم آنهم در صورت داشتن اندکی امکانات به مهاجرت رومی آورند.

رژیم هیچ چاره ای برای کمک به اهالی این منطقه نیندیشیده است. مداخلات دولتی نیز اساساً در این مورد سکوت کرده و به ندرت پیش می آید که در این مورد چند خطری مطلب بنویسند.

مسائل ایران در مطبوعات پیشرو جهان

بقیه از صفحه ۱

باید جعل و تحریف در مرکز سازمان "سیا"، بشکند. دروغ دیگری را هم به بخورد خوانندگان میدهند و می‌نویسد: "آمریکایی‌ها و روسها تماس‌های نزدیکی در رابطه با تحول کثونی و آتی در همه جای جهان اسلام دارند."

هفته نامه "عصر جدید" سپس به یاد آوری سیاست اصولی اتحاد شوروی، در سیر رویدادهای ایران می‌پردازد و می‌نویسد: "همه می‌دانند که این دولت شوروی بود که بیانیه غیرمجاز بودن دخالت در امور داخلی ایران را منتشر ساخت و از این طریق عملاً از انقلاب ایران در زمانی که واکنش در سال ۱۹۷۸ نقشه مداخله مسلحانه در ایران را می‌کشید، در برابر هر گونه تجاوز خارجی محافظت کرد. این اتحاد شوروی بود که به ایران با در اختیار قرار دادن مسیر زمینی و آبی ترانزیت به منظور حمل کالاهای کرد و از این طریق خسارتی را که اقتصاد ایران می‌توانست از تحریم ایران و محاصره دریایی آن توسط دولت آمریکا متحمل شود، محدود ساخت. این اتحاد شوروی بود که به ایران کمکهای اقتصادی مهمی نمود و سهم خود را در ایجاد ۱۶۰ واحد صنعتی و اقتصادی در ایران، از جمله ساختمان ذوب آهن اصفهان، ایفا کرد. در واحدی که با شرکت اتحاد شوروی،

ساخته و تجهیز شده‌اند، در حال حاضر نزدیک به ۸۰ هزار ایرانی کار می‌کنند."

کارزار ضد کمونیستی در ایران

نشریه مسائل صلح و سوسیالیسم، نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیستی و کارگری، در آخرین شماره خود مقاله‌ای با عنوان "کارزار ضد کمونیستی در ایران" درج نموده است. این مقاله توسط رفیق علی خاوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران نوشته شده است. در این مقاله رفیق خاوری به تشریح نتایج حزب توده ایران در مورد سیر رویدادهای پس از انقلاب ایران و سیاستهای خائنانه رژیم جمهوری اسلامی پرداخته و اهداف رژیم خمینی از کمونیسم ستیزی و توده‌ای ستیزی را مورد بررسی قرار داده است.

نظام حاکم بر ایران، منبع نارضایتی و تنفر در توده‌های مردم

ارگان حزب کمونیست یونان، در مقاله‌ای، مشروحاً به تشریح اوضاع سیاسی ایران پرداخته است. حین این مقاله را بیانیه مشترک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران تشکیل می‌دهد. ریزو سیاستی می‌نویسد:

"وضعیت اقتصادی ایران شدیداً خراب است. چه بخش صنعتی و چه بخش کشاورزی در معرض نابودی است. فقدان مواد اولیه شکل دائمی به خود گرفته است. تولید کشاورزی هر ساله کمتر می‌شود. این کمبود از سیر معهودی میزان واردات که در سال ۸۲ به ۲۲ میلیارد دلار رسید هویدا است. رژیم با کمبود شدید ارز مواجه است. بانی این وضعیت سیاست اقتصادی رژیم است. سیاستی که آشکارا در خدمت کتلان سرمایه‌داران و بخش خصوصی است. خصوصی کردن به یک پدیده عمومی تبدیل شده است. سرمایه‌داران بزرگ که هنگام انقلاب گریخته بودند هم اینک باز می‌گردند. قانون اصلاحات ارضی اجرا نشد و با دخالت شخص خمینی لغو شد. نفوذ مونیول‌ها دوباره شروع شده و همچنان ادامه دارد."

ارگان حزب کمونیست یونان در زمینه سیاست خارجی رژیم خمینی می‌نویسد: "سیاست خارجی رژیم ارتجاعی و ضد مردمی است. سیاست جمهوری اسلامی ایران از مرحله نفی اصل مریستی مسالمت آمیز به مرحله عشق ورزیدن به جنگ رسیده است... رژیم ایران بطور فعالانه در جنگ اعلام نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان شرکت می‌کند و بطور سیستماتیک علیه سازمان آزادیبخش فلسطین عمل می‌نماید. خرید اسلحه از ایالات متحده و اسرائیل ادامه و گسترش می‌یابد و کوششهایی در راه تجدید پیمان سنتو به عمل می‌آید. رژیم

درگیریهای شدید درون باندهای سلطنت طلب برای بالا کشیدن جیره نوکری امپریالیسم

خرداد خود با لحن "بی ادبانه‌ای" می‌نویسد: این سان دیدن منجر به "بریدن گوش و الاحضرت اشرف پهلوی" شده است. حال سلطنت طلبها و "ملی‌گراها از اشرف پهلوی و سید احمد مدنی افسوس می‌خورند که چرا بخشی از جیره مقرر را به افرادی داده اند که به جای سرمایه‌گذاری بیشتر برای آنها، برای خودشان در پاکستان زمین و پمپ بنزین خریده‌اند و خانواده‌هایشان را در انگلستان غرق در رفاه ساخته‌اند. نشریه "اعدام" می‌نویسد بعد از باطل‌سلاح اخراج این دو نفر، گزارش مسائل داخلی "سازمان وحدت بلوچ به سفارت خانه‌های ذیربط خارجی" داده شد. بی‌آبرویی تا حدی رسیده است که این نشریه سلطنت طلب ابایی ندارد از این که بگوید عمه تقلا، تیسارها و والاحضرتها، فقط با اذن "سفارتخانه‌های ذیربط خارجی" میسر می‌کردند.

پیروی و آزاده شفیق است. اخیراً در این سازمان درگیری بالا گرفته و دو نفر از رؤسای آن به اسامی مولوداد سردار زمی و امان‌الله بارت زمی پوئهای اعتنایی از درباریان فرار، را بالا کشیده و به همین جرم اخراج شده‌اند و در واقع فتنه رابسته و سبب بقیه را بی‌کلاه گذاشته‌اند. از "زرنکی" این دو نفر همین بس که به نوشته نشریه "اعدام" که نشریه معنوی به‌تئاریچ‌های افغانستان است، با مدنی نیز در رابطه بوده و از او ۲۸۰۰۰ دلار پول گرفته‌اند. آنهایی که از نیز رفت و آمد داشته و ۵۰ قبضه اسلحه و مایه پینچ‌ها و پانصد دلار، نیز از رژیم عراق دستمزد گرفته‌اند. از جمله دیگر "زرتی" های اینمادعوت آزاده شفیق، رئیس "شاه الهی" ماه به پاکستان در فروردین ماه امسال و نشان دادن ۲۰ نفر مسلح نمایی به اوست. نشریه مذکور در شماره ۲۱

خواندن نشریات سلطنت طلبها، خالی از تفریح نیست. آنهایی که را افشامی کنند، به روی هم پنجه می‌کشند و فاشهای چارواداری نشان یکدیگر می‌کنند. خالی از تفریح نیست وقتی آدم ببیند وزیر، وکیل، تیسار و شاهزاده دیروز وقتی پای تقسیم جیره نوکری امپریالیسم به میان می‌آید، تشخص و "ادب" بورژوازی خود را به کنار نهاده، کف بر لب بر می‌آورد و به همپالکی‌های خود نازهای آنچنانی می‌دهد.

به نمونه‌ای از دستجات ضد انقلابی که تا حدی، مثلاً از "شورای مشروطیت" فلان شهر انگلستان یا آلمان جدی‌تر است توجه می‌کنیم: سازمان وحدت بلوچ! این سازمان مقر فرماندهی در پاکستان است. عده‌ای از فئودالهای ساواکی و گردنه گیرهای سابق بلوچستان از قبل آن نان می‌خورند و رابطه اصلی‌شان با اشرف

مرگ بر جنگ...

بقیه از صفحه ۲

رژیم جمهوری اسلامی تلاش ورزید تا خود مستقیماً این جنگ افرا را از دول امپریالیستی خریداری کند. بنا به نوشته روزنامه لوس آنجلس تایمز، در ۵ سالی که از جنگ می‌گذرد، صدها معامله سلاح از آمریکا به ایران ارسال شده است. به گفته یک مقام کمرک آمریکا، جمهوری اسلامی ۱۰۰ در صد نیازهای تسلیحاتی خود را مستقیماً از آمریکا تأمین می‌کند.

هم اینک دول غربی، در راستای تأمین نیازمندیهای جنگی هر دو کشور ایران و عراق، حرکت می‌کنند. آنها می‌کوشند تا آتش جنگ را همچنان بر افروخته نگاه دارند، و حکومت اسلامی نیز در این راه، هم صدا، همگام و هم نیست با آنان است. دیری نخواهد پایید که جنبش اعتراضی مردم، نعره جنگ، جنگ را در کثونی، حکام مرتجع خفه سازند.

گامی در جهت

کاهش تشنجات در ایالت آسام هند

اخیرا میان دولت مرکزی هند، دولت ایالتی آسام و سازمانهای سراسری دانشجویان آسام قراردادى به امضا رسید که بر مبنای آن، دولت ایالتی آسام استعفا داده و مجلس قانونگذاری این ایالت منحل شد. قرارداد مزبور، همچنین حاوی توافقنامه‌ای درباره مسئله بسیار پیچیده خارجی‌های مقیم آسام است. منظور از این عده، کسانی هستند که طی ۲۰ سال گذشته بطور غیرقانونی وارد آسام شده‌اند. اکثر آنها از اهالی بنگلادش هستند و حضور آنها در آسام بارها به زد و خوردها و کشتارهای خونین میان مردم بومی آسام و بنگالی‌ها انجامیده است.

در قرارداد اخیر که پس از شش سال ناآرام، نخستین گام در جهت کاهش تشنجات در این ایالت هند به شمار می‌رود، پرداختن به مسائل مربوط به هویت، موقعیت شهروندی، حقوق انتخاباتی و سایر مسائل مهاجرین پیش بینی شده است. علاوه بر این، قرارداد استقلال آسامی‌ها در زمینه زبان و فرهنگ را به رسمیت شناخته است. دولت مرکزی دهلی همچنین متعهد گردیده که کمک به رشد اقتصادی در این ایالت را افزایش دهد، سطح زندگی مردم را بالا برد و توجه ویژه‌ای به آموزش، آموزش عالی و تکنیک در این ایالت مبذول دارد. همچنین پیش بینی شده است که از مرزهای بین المللی آسام در برابر نفوذ خارجی حفاظت بیشتری به عمل آید. انحلال مجلس قانونگذاری، استعفاى دولت آسام و تشکیل یک کابینه موقت گامهای دیگری هستند که در قرارداد گنجانده شده‌اند.

در آمریکا

۲۲/۷ میلیون نفر در فقر بسر می‌برند

۲۲/۷ میلیون نفر از شهروندان ایالات متحده آمریکا طبق آمار رسمی دولت این کشور که اینک انتشار یافته است، زیر سطح تعیین شده فقر به سر می‌برند. بدین ترتیب ۱۴/۴ درصد مردم آمریکا دچار تنگدستی هستند. از میان سیاهپوستان، ۲۲/۸ درصد فقیرند. از هر پنج آمریکایی زیر ۱۸ سال، یک نفر در خانواده‌ای بزرگ می‌شود که دچار فقر است. ۲۴/۴ درصد از مادرانی که باید به تنهایی فرزندان خود را بزرگ کنند، در فقرند.

رئیس ضد جاسوسی آلمان فدرال

به آلمان دمکر اتیک پناهنده شد

خبرگزاری رسمی آلمان دمکراتیک اعلام کرد: "مانس یوآفیم تیدگه، که سالها در سرویس مخفی آلمان فدرال مسئول بخش ضد جاسوسی بود، وارد جمهوری دمکراتیک آلمان شده و تقاضای پناهندگی سیاسی نموده است." پناهنده شدن رئیس ضد جاسوسی آلمان فدرال به آلمان دمکراتیک، به بحران سیاسی در درون دولت آلمان فدرال و برکناری رئیس سازمان امنیت این کشور انجامید.

از سوی دیگر مقامات رسمی آلمان دمکراتیک اعلام کردند در سال گذشته سرویس‌های جاسوسی آلمان فدرال متخلف شکستهای سختی شده‌اند و تنها از آغاز سال ۱۹۸۴ تا ژوئن ۱۹۸۵، ۱۶۸ جاسوس آلمان غربی که وظیفه جنایت بار لانه زدن به آلمان دمکراتیک را داشتند، دستگیر شده‌اند.

زد و خوردهای مسلحانه میان ضد انقلابیون افغانی

این روزها ضد انقلابیون افغانی (که "فقیه عالیقدر" جمهوری اسلامی هیچ فرصتی برای آشتی دادنشان را از دست نمی‌دهد) سخت درگیر زد و خوردهای مسلحانه میان خود هستند. اشرار افغانی مستقر در پاکستان در روزهای اخیر علیه یکدیگر دست به عملیات مسلحانه زدند. تیراندازی میان حزب اسلامی و جمعیت اسلامی ده کشته به جای گذاشت. ضد انقلابیون مستقر در یک اردوگاه واقع در نزدیکی "علیپور" بر سر توزیع آذوقه، لباس و مهمات به زد و خورد پرداختند. لازم به یادآوری است که اختلافات اشرار افغانی اغلب از همین قبیل است.

نلسون ماندلا، بار دیگر شرایط رژیم آپارتاید برای آزادی خود را رد کرد

مشهورترین زندانی سیاسی جهان است. رم به او مقام شهروند افتخاری داده است، بسیاری دانشگاههای جهان به او رتبه دکترای افتخاری را تقدیم کرده‌اند. خیابانهای زیادی به نام او است. به ماندلا جایزه‌های بین المللی به نام نبرو و سیمون بولیوار و... داده‌اند. "یک استاد دانشگاه آمریکایی از دیدار اخیر خود با ماندلا در زندان نوشته است: "در تمام طول گفتگویم با وی احساس می‌کردم که دارم با یک رئیس کشور صحبت می‌کنم." واقعیت هم این است که اگر ماندلا سازمانش -

کنگره ملی آفریقا - هنوز به نمایندگی از سوی خلق حکومت را به دست نکرده‌اند، اما این میهن پرست بر قلبهای میلیونها تن از مردم آفریقای جنوبی حکومت می‌کند. کواه این امر، تظاهرات سه هزار نفره چهارشنبه گذشته در شهر کاپ است که طی آن، مردم به سوی زندان بلسور راهپیمایی کرده و خواستار آزادی ماندلا شدند. پلیس از ادامه راهپیمایی به سوی زندان با توسل به گاز اشک آور جلوگیری به عمل آورد. در پیام تظاهرکنندگان به ماندلا آمده است: "تو رهبر واقعی خلق ما هستی. ما آرام نخواهیم گرفت تا آزاد شوی."

حزب کمونیست آفریقای جنوبی به انتشار نشریه ارکان خود، "کارگر" در داخل کشور پرداخته است. ارکان حزب کمونیست آفریقای جنوبی علی‌رغم مخفی بودن، هم اکنون وسیعا در میان مردم و به ویژه فعالین جنبش در حال اوچ گیری، دست به دست می‌چرخد.

نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا ۲۲ ساله است در زندان رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی به سر می‌برد، بار دیگر آزاد شدن به بهای قبول شرایطی دیکته شده از سوی رژیم وارد کرد. وی این موضع را در مصاحبه با خبرنگاران آمریکایی در زندان مورد تاکید قرار داد. دولت آفریقای جنوبی برای چندمین بار به ماندلا پیام داده است که در صورت رد مبارزه علیه آپارتاید، می‌تواند از زندان آزاد شود. اما ماندلا می‌گوید: "من نمی‌توانم دست به سینه کوشای بنشینم. من می‌خواهم مانند یک انسان آزاد زندگی کنم."

شخصیت ماندلا رهبر مبارزات ضد نژادپرستی آفریقای جنوبی آنچنان برجسته است که این روزها جلبوعات غرب نیز در ارتباط با اوچ گیری جنبش ضد آپارتاید، کوشه‌هایی از عظمت بایداری این انقلابی بزرگ را بازتاب می‌دهند. روزنامه انگلیسی تایمز می‌نویسد:

"ماندلا که امروز ۶۶ سال دارد، در سال ۱۹۶۴ به زندان ابد محکوم شد. مقامات آفریقای جنوبی در آن زمان گمان می‌کردند که این فرد و سازمانی که او رهبری می‌کرد، یعنی کنگره ملی آفریقا، به زودی فراموش خواهند شد. آنها هم به نفوذ فردی باور نکردنی ماندلا و هم به امری که از آن دفاع می‌کرد، کم بها داده بودند. پس از دودهم زندان، نام ماندلا احتمالا از نام هر فرد دیگر اهل آفریقای جنوبی مشهورتر است." در "فرانکفورتر آلمانیه" چاپ آلمان فدرال آمده است: "ماندلا) احتمالا



رژیم آپارتاید آنچنان دستپاچه شده است که کودکان را دستگیر می‌کند.

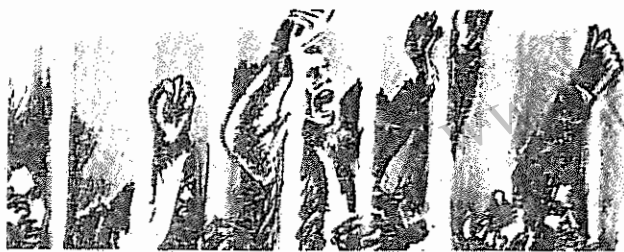
سدما دانش آموز هفته گذشته به جرم شرکت در تظاهرات بازداشت شدند و قرار است محاکمه شوند.

نامه به دبیر کل سازمان ملل متحد

علاوه بر این، برخی دبیران از اعضای کمیته مرکزی و بسیاری از کادرهای سازمان ما زیر شکنجه‌های وحشیانه و وحشیانه قرار دارند و کشته شدن زیر شکنجه و اعدام جان این رفقای ما را جداقتدید می‌کند.

در سال گذشته قربانعلی مؤذنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی، مرتضی میثمی کادر برجسته و نماینده سازمان برای انتخابات مجلس شورای اسلامی، تقی قانع خشک‌پیکاری و منعم‌پورچم از کادرهای سازمان ما و از فعالین سرشناس جنبش مردمی ایران در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی زیر شکنجه و در میدان‌های اعدام کشته شده‌اند.

ما از شما در مقام دبیر کل سازمان ملل متحد، تقاضا داریم که کلیه ماسعی خود را بکار گیرید تا از اجرای حکم اعدام رضی الدین تابان و کشته شدن انوشیروان لاهی و دبیر اعضای کمیته مرکزی سازمان و کادرهای آن در زندان جمهوری اسلامی و تحقیق مقاصد جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی جلوگیری بعمل آید. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



جهان خواستار زنجیر زدن بردستان خونریز خمینی است

غیراستار اقدامات معینی به منظور نجات جان رفقا انوشیروان لاهی و رضی الدین تابان و دوتن از زندانیان توده‌ای گردیده است.

عقوبین المللی در این فراخوان به تعهدات جمهوری اسلامی نسبت به مسویات کنوانسیون سال ۱۹۷۵ پیرامون حقوق سیاسی و مدنی اشاره کرده و اعلام داشت:

عفو بین‌المللی جدا نسبت به کشته اعدامی که در ایران برپا دارد، نگران است.

از کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به جناب آقای خاویز پیرزاد و کوثیار دبیر کل سازمان ملل متحد!

با احترام به اطلاع می‌رساند:

همان‌طوریکه مطلع هستید، کشتار انقلابیون و میهن پرستان، در زندانهای جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. مطالبات خیرهای رسیده از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی تعداد بیشماری از کادرها و اعضا سازمان ما همچنان زیر شکنجه‌های شدید جسمی و روانی و خطر مرگ قرار دارند.

رضی الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان ما و از رهبران برجسته و پر سابقه جنبش دانشجویی ایران را که طی سه سال گذشته زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار داشته، به مرگ محکوم کرده و حکم اعدام برای تأیید به شورای عالی قضایی ارسال شده است. همچنین انوشیروان لاهی عضو مشاور هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما و از مبارزین سرشناس و با سابقه جنبش انقلابی ایران، همچنان زیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار دارد و جان‌ش به‌طور جدی در خطر است.

انتشار خبر صدور احکام تازه اعدام علیه زندانیان فدائی و توده‌ای، توسط رژیم دمدش خمینی، از جبار جهانیان را برانگیخته است. در پشتیبانی از این زندانیان و از جمله رفقا انوشیروان لاهی و رضی الدین تابان و برای نجات جان آنان از جانب احزاب و سازمانهای مترقی و پیشرو تا کنون اقدامات متعددی صورت گرفته است.

علاوه بر این، مجامع بین‌المللی نیز نسبت به وضعیت زندانیان سیاسی در ایران هرچه بیشتر ابراز نگرانی می‌نمایند و درقبال انتشار آشتار و بی پروای جمهوری اسلامی نسبت به قوانین بین‌المللی واکنش نشان می‌دهند. از جمله این سازمانها، سازمان عفو بین‌المللی است که طی دستور العملی در تاریخ ۵ اوت،

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره توطئه اعدام و کشتار رهبران زندانی سازمان

هم میهنان گرامی!
مردم مبارز ایران!

حکام جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی، توطئه خونینی را برای اعدام و کشتار تبعیدکارانه و سر به نیست کردن رهبران در بند سازمان ما، طرح ریخته و اجرای آنرا تدارک می‌بینند. انتشار اخبار محاکمات و اعدامهای مختلف، توسط رژیمیان خمینی، بمنظور زمینه سازی اجرای نقشه‌های جنایتکارانه‌شان، گویای جدی و فوری بودن خطری است که علیه جان این فرزندان قهرمان خلق تدارک گردیده است. خبرهای رسیده حاکی است که برای رفیق رضی الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بیدادخانه‌های در بسته حکام مرتجع خمینی، مخفیانه حکم اعدام صادر کرده و این حکم را برای تأیید به شورای عالی قضایی فرستاده‌اند.

رفیق رضی الدین تابان، از انقلابیون سرشناس و با سابقه دوران مبارزه علیه رژیم شاه و از رهبران برجسته جنبش دانشجویی و جوانان کشور است که طی ۲ سال گذشته قربانخانه و با پایمردی پولادین زیر شکنجه‌های وحشیانه و مستمر جسمی و روانی ایستادگی کرده است. رفیق رضی الدین تابان در میان زندانیان رژیم جمهوری اسلامی بعنوان مظهر مقاومت در برابر جلادان، مظهر سرفرازی ماندن و ایمان به خلق، شناخته شده است.

رفیق انوشیروان لاهی عضو مشاور هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان، طی ۲ سال گذشته در جبهه درخشان جمهوری اسلامی، زیر شکنجه‌های وحشیانه قرار داشته است. رژیم تا روزان اعلام رسمی، هر گونه خبری درباره او خودداری کرده است. توطئه قتل جنایتکارانه در زیر شکنجه، جان وی را به‌طور جدی تهدید می‌کند. رفیق انوشیروان لاهی که از مبارزین برجسته و سرشناس و با سابقه جنبش انقلابی ایران است، هم در رژیم شاه و هم در رژیم جمهوری اسلامی زیر انواع شکنجه‌های روحیانه و بی‌قده، دلیرانه در برابر دشمن ایستاده است. این توطئه، جان دیگر رفقای کمیته مرکزی سازمان ما را که طی سالهای گذشته در چنانال دشمن اسیر بوده و مدت‌هاست زیر شدیدترین شکنجه‌های جلادان خمینی همچنان شجاعانه ایستادگی می‌کنند، تهدید می‌کند.

رژیم جمهوری اسلامی که در نقشه متلاشی کردن سازمان فدائیان خلق و لایحه زدن به اعتباران مفتضحانه شکست خورده، رژیمی که از شکنجه‌های وحشیانه رهبران اسیر سازمان راه بنیانی نبوده و در رسیدن به اهداف باید خود، ناکام مانده است، اینک به تلاقی آن شکست، اعدام و کشتار تبعیدکارانه رهبران اسیر سازمان را تدارک دیده است.

مردم مبارز ایران!

خمینی از اوج تیر، مبارزه شما علیه جمهوری اسلامی در مراکز است. او می‌داند که فدائیان خلق برای پیروزی مبارزات بی‌شمار مرکز از پای نخواهند نشست. از اینرو توطئه تازه‌ای را برای نابودی فرزندان قهرمان شما در زندانها تدارک دیده است. حکام سفاک رژیم، باتفاق فرامین باید شخص خمینی از هیچ جنایتی فروگذار نیستند. آنان طی سال گذشته، رفیق قربانعلی مؤذنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان و رفقا تقی قانع خشک‌پیکاری، مرتضی میثمی، منصور پورچم و... از کادرهای برجسته سازمان را پس از شکنجه‌های وحشیانه به قتل رسانیده و سر به نیست کرده‌اند، چرا که این فرزندان قهرمان خلق با مقاومتی پولادین در برابر ارتجاع ایستادند و دلیرانه از آرمان کمونیسم و از صلح و آزادی، از استقلال و حقانیت سوسیالیسم دفاع کردند.

رژیم ارتجاعی و ضد مردمی خمینی همیشه حاضر نیست دادگاه علنی برای فدائیان خلق تشکیل دهد. زیرا دادگاه فدائیان خلق دادگاه محکومیت جنایات و جنایتکاری رژیم خمینی، دادگاه دفاع از صلح و آزادی، دفاع از سارگران و دهقانان و محکمه رسوایی این هیات حاکمه مرتجع است.

هم میهنان مبارز!

برای خنثی کردن توطئه اعدام و کشتار جنایتکارانه فرزندان انقلابی و میهن پرست و قهرمان خلق، که عملی جز مبارزه در راه پیروزی شما، نابودی ظلم و ستم و استثمار و ساختن ایرانی آزاد و دموکراتیک و صلح دوست انجام نداده‌اند، اعتراض کنید. خمینی جلاد را از ارتکاب این جنایت بازدارید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از همه احزاب و سازمانها و نیروهای ترقیخواه و انقلابی ایران دعوت می‌کند که در افشای توطئه رژیم و دفاع از جان فدائیان اسیر، سازمان را یاری کنید. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از همه نیروهای ترقیخواه و آزادیخواه جهان و از همه نهادها و سازمانهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر و حقوق زندانیان سیاسی تقاضا دارد که همه توان خود را بکار گرفته، رژیم جمهوری اسلامی را زیر فشار بگذارند تا از اجرای احکام اعدام و کشتار رهبران زندانی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) جلوگیری شود.

درد به زندانیان سیاسی ایران!

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرفروزی رژیم جمهوری اسلامی؛
مرکز بر امپریالیسم جهانی سرفروزی امپریالیسم آمریکا!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۵ مرداد ۱۳۶۴

AKSARIYAT
NO. 72
MONDAY SEP 1 85
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY